

ایران شهر

سال اول | شماره ۲ | شهریور ماه ۱۳۹۹



۳ گذر شهریور

ابوعلی سینا نادره جهان

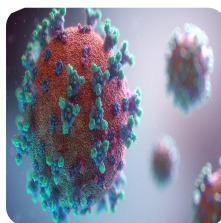
۷ بهشت گل های محمدی

آبشار شور و شیرین



۲۰ ارباب

کاش عاقبت تو و فرزندان...



۲۸ کرونا در مقابل اقتصاد

تأثیر کرونا بر اقتصاد، قطعا عمیق و...



طراح : خانم فهیمه پریشان

بسم الله الرحمن الرحيم



ایران شهر نشریه‌ای به وسعت ایران

دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی شیراز

صاحب امتیاز: کانون ایران شناسی و ایران گردی

مدیر مسؤل و سردبیر: علی پورعسکری شیرازی نژاد

مدیر داخلی: نگار رنجبر

ویراستاران: محمد علی صفاری زاده، علیرضا قوهستانی

اعضای هیئت تحریریه:

علی پورعسکری شیرازی نژاد، نگار رنجبر، حسین عابدی

محمد علی صفاری زاده، نیما دهقان، علیرضا قوهستانی

محمد رحمتی، سعید کاشی گر و علیرضا شمسی

طراح: فهیمه پریشان، علی پورعسکری شیرازی نژاد

گویندگان:

سارا نظری، محمد ایمان مظلومی، حسین عابدی،

سارا قره چاهی، مسعود نیکونژاد، محمدعلی صفاری زاده

با ما در ارتباط باشید:

۰۹۳۰۹۸۶۳۲۳۷

نویسندگان و پژوهشگران محترم!



این نشریه متعلق به شماست. تجربه‌های ناب، ایده‌ها و حاصل پژوهش‌های خویش را در اختیار نشریه ایران شهر قرار دهید تا با انعکاس آن‌ها، علاقه‌مندان به این حوزه در تجربیات شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:

- موضوعاتی را که میفرستید، با موضوع نشریه مرتبط باشد و در جای دیگری چاپ نشده باشد و در ضمن مطالب ارسالی قبل از ارسال با مدیر داخلی نشریه مطرح شود.
- چنانچه مطالب ارسالی از منابع خاصی استفاده شده است را حتما در زیر مطالب ارسالی ذکر فرمایید.
- نثر، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی، دقت لازم را مبذول فرمایید.

به نام نقش‌بند صفحه خاک

دوستداران ایران زمین سلام

در ابتدا تبریک عرض میکنم آغاز فصلی نو در زندگیمان و خدا را شاکریم که ما را از این طریق به شما عزیزان و همراهان وصل نموده است. ایران شهر نشریه ای به وسعت ایران است؛ در نشریه ایران شهر مولفه ها و موضوعات متعددی موجود است که همه خوانندگان را به خود جلب مینماید و همه سلیقه ها را شامل میشود و همان طور که در فهرست مشاهده نمودید بخش های علمی، فرهنگی، هنری، ادبی، سرگرمی و ... در این نشریه موجود است.

تابستان سال نود و نه، تابستانی متفاوت و بی سابقه بود.

طبیعت نفسی تازه کشید و انسان ها قدر با هم بودن را بیشتر دانستند. در کشور های مختلف شاهد آن بودیم که با نبود انسان در سطح شهر ها به دلیل شیوع ویروس کرونا حیوانات به شهر ها آمدند و باعث خیلی از حرف ها شدند و به ما گوش زد کردند که چه خطرات و مشکلاتی را ما انسان ها برای سایر موجودات فراهم آورده ایم و هزار افسوس از این واقعه...!

در این دوران که با ویروس کرونا دست و پنجه نرم میکنیم حوزه گردشگری و صنعت تروسیم به شدت ضربه خورده و آثار باستانی و گردشگری خالی از بازدید کننده شده است و اما چه باید کرد و تا نابودی ویروس کرونا باید صبر کنیم.

اما ما در **نشریه ایران شهر** بی کار ننشسته و سفر های مجازی برای شما ترتیب داده ایم تا هم با مکان های تفریحی و باستانی آشنا شوید و نیز با غذاها، آداب و رسوم، بازی ها و ... سفر مجازی کرده و لذت ببرید.

اما تازه های این شماره عبارت است از: داستان های طنز و کهن با عنوان **قه خیار** و آشنایی با واژگان فارسی و معادل کلمات خارجی را با عنوان **فرهنگ پارسی** ارائه کرده ایم. از علاقه مندان به حوزه ایران شناسی و ایران گردی در زمینه های مختلف دعوت به عمل می آوریم تا در کنار هم بدرخشیم.

علی پور عسکری شیرازی نژاد





گذر شهریور

ز شهریر (شهریور) بادی تو سپروز کر
به نام بزرگی و فرو، منر

فردوسی بزرگ

چهارمین روز هر ماه در گاهشمار مزدیسنا، شهریور روز است. واژه شهریور در اوستا خَشْتَرَوَیْرَه، در پهلوی خَشتریور و در فارسی نو شهریور یا شهریر است. "خَشْتَر" به معنای شهریار، مملکت و کشور است. واژه شهر نیز با این واژه هم ریشه است و در گذشته به معنی کشور به کار می‌رفته؛ مانند **ایران شهر** که به معنی کشور ایران بوده.



"ویریه" صفت است به معنای آرمانی و آرزو شده و روی هم رفته، شهریور به معنای شهریار آرمانی است.

شهریور یکی از فرورده‌های هفتگانه خداوند در نگاه ایرانیان است؛ فرمانروایی که از آن اهورامزدا است و جایگاه ایزدان و روان نیکان است. با نگر به آن که گاهشمار زرتشتی اندک دگرسانی (تفاوت) با گاهشمار امروزی خورشیدی دارد، جشن شهریورگان در **۳۰ آرمرداد ماه** برگزار می‌شود. ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه درباره برگزاری این جشن چنین می‌گوید که در این روز آتش‌های بزرگ می‌افروختند و به ستایش خداوند می‌پرداختند و مردمان برای خوردن خوراک و شادمانی کردن گرد هم می‌آمدند.

شهریورگان آن گونه که برخی پژوهشگران گفته‌اند، جشن رسیدن به آرمان‌شهر است؛ آرمان‌شهری که با خردورزی و منش نیک و با پیروی از راستی و داد (قانون) ایزدی به دست می‌آید.

یکم شهریور؛ روز پزشک و بزرگداشت ابن سینا

دل کرچه در این بادیه بسیار شافت
یک موی ندانست ولی موی شکافت

اندر دل من هزار خورشید شافت
و آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت

در سال ۳۵۹ هجری و هم زمان با فرمانروایی دودمان ایران دوست سامانی در روستای افشنه، نزدیک بخارا، ستاره تابان دانش بشری تابیدن گرفت. آنچنان که از یادداشت‌های خودش برمی‌آید نامش حسین بن عبدالله بن سینا بوده است.



برای نمونه، دراز به جای طول، انگارش به جای ریاضی، ستبرا به جای حجم و جنبش‌های آسمانی به جای حرکات سماوی؛ از کتاب‌های فارسی دیگر می‌توان به رساله نبض و رساله المعراجیه نیز اشاره کرد. بزرگی این دانشمند مردمان سرزمین‌های گوناگون را بر آن می‌دارد تا پورسینا را از آن خویش بدانند.

بی‌گمان او خورشیدی است جهان افروز و تابان بر همه مردمان جهان اما برخاسته از خاک ایران زمین. بایسته و شایسته است که مردمان ایران زمین از هر تبار و زبان و آیینی، با نگر به دانش ویژه خودشان، از فلسفه و پزشکی تا زبان‌شناسی و ادب‌دانی به خوانش و پژوهش هر چه بیشتر در نوشته‌های وی بپردازند که خوشه‌ای بچینند از خرمن دانش وی.

حجت‌الاحق، شرف‌الملك، امام‌الحکا
هر چه خواهند بخوانند و بنامند تورا

تو بهان ناده دانای جهان بو علی سینایی
کوهری در صدف کون و مکان کیمایی

فریدون مشیری (بازتاب نفس صبحان)

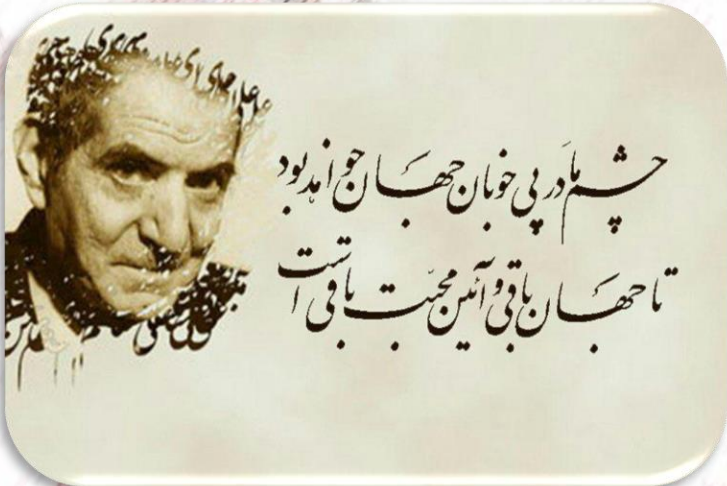
او از میان خانواده‌ای اسماعیلی مذهب برخاست و پرورش یافت. با چیرگی محمود غزنوی بر وراود (ماوراالنهر) و برافتادن سامانیان، سفر پورسینا نیز آغاز می‌شود. به شهرهایی چون گرگانج و نسا و گرگان و ری و اصفهان و همدان می‌رود و کم و بیش در این شهر-ها می‌ماند. در جایی نمی‌توانست یا نمی‌خواست بماند و آواره وار زیست اما شاهکارهایی در زمینه‌هایی گوناگون آفرید که نامدارترین‌شان شفا در حکمت مشا و قانون در دانش پزشکی است. سروده‌هایی به عربی و فارسی از وی برایمان باقی مانده است؛ برای نمونه او در زمینه آموزش پزشکی، از ابزاری مانند شعر بهره می‌برد. به این سروده‌های آموزشی (تعلیمی) "ارجوزه" می‌گفتند. پورسینا نیز ارجوزه‌هایی مانند "ارجوزه فی التشریح"، "ارجوزه فی الطب"، "ارجوزه فی وصایا بقراط" و ... دارد. برای نمونه در "ارجوزه فی الوصایا" چنین سروده که:

أَوَّلَ يَوْمٍ تَنَزَّلُ الشَّمْسُ الْحَمَلُ
تَشْرَبُ مَاءَ فَاتَرَأَى عَلَى عَجَلٍ

ترجمه: در اولین روزی که خورشید وارد برج حمل می‌شود، فوراً آب نیم گرمی بنوش.

با نگر به آنکه در آن زمان زبان عربی، زبان همگانی مسلمانان بود، دانشمندان مسلمان از هر تبار و سرزمینی به این زبان می‌نوشتند تا دیگران نیز از دانش ایشان بهره مند شوند؛ همان گونه که در سده-های میانه (قرون وسطی) زبان لاتین برای مسیحیان اروپا زبان علم و دانش بود. اما افزون بر کتاب‌ها و رساله‌های فراوان عربی پورسینا، کتاب‌هایی به زبان فارسی نیز در دست است؛ نامدارترین‌شان دانشنامه علایی است که در منطق، طبیعیات، هیئت، موسیقی و ما بعدالطبیعه است. این کتاب نخستین کتاب فلسفی به زبان فارسی نیز به شمار می‌رود. نکته دیگر درباره دانشنامه علایی این است که پورسینا کوشیده به جای واژه‌ها و اصطلاح‌های عربی، جایگزینی پارسی برایشان به کار ببرد.





شهریار اما از این سودا نمائیم و بماند / قصه ما بر سر هر کوچه و بازار باقی

در میان شاعران معاصر ایرانی، نام محمد حسین بهجت تبریزی می درخشد. وی پرورده و دلداه شعر کهن پارسی بوده است؛ از فردوسی تا سعدی و مولوی بلخی. اما در میان سرایندگان پارسی گوی، نام شهریار با حافظ شیرازی پیوندی ناگسستنی دارد. او حافظ را چون پیشوایی می داند و نمازش را با وی اقتدا می کند و نام حافظ ردیف غزل اوست؛

من از اول که با خناب اشک دل وضو کردم / نماز عشق را هم با تو کردم اقتدا حافظ

با اینکه خودش را "شایسته شهریار غزل" می داند اما هنگامی که به پیشگاه حافظ می رسد غلام در گه اوست؛

شاید از کرد و غبار سفرم نشاسی / شهریارم به در خواجه غلام ای شیراز

افزون بر سروده هایش به زبان پارسی، دو سرودنامه به نام های "حیدر بابایه سلام" و "سهندیه" نیز برایمان به زبان ترکی آذربایجانی باقی مانده است. زبان اثر نخست ساده و به دور از لفظ پردازی است اما زبان "سهندیه" زبانی است استوار و ادبی. وی بر زادگاهش عشق می ورزد و از جدایی سرزمین قفقاز از ایران زمین بر می خروشد و این چنین می سراید؛

ایکیت لر یوردو قفقازیم، نه مندن سلام اولسون / سنین عشقینه ایراند، هنوز صبری تالان وارور...

ترجمه: ای سرزمین قهرمانان، قفقاز سلام بر تو! در عشق تو هنوز بسیاری در ایران سرگردان و پریشان حالند.

و یا در جای دیگر؛

تا باشد آذربایجان پیوند ایران است و بس / این گفت با صوتی رسا فریاد آذربایجان

با آنکه وی از سویی "شاعر ملی ایران" لقب می گیرد اما سرنوشت بشر نیز برایش بسیار ارزشمند است.

زمانی که می بیند انسان هایی اهریمن خوی با بهره گیری از علم و دانش، بشریت را از بین می برند، خطاب به انیشتین، فیزیکدان نامدار، این گونه سخن می راند:

انشن صدهزار احسن ولیکن صدهزار افسوس / حریف از کشف و الهام تو دارد بمب می سازد

وی که میراث دار بزرگ مردانی چون سعدی است بر ریشه یکسان همه آدمیان آگاه است؛

آدمیان شاخه و برگ هم اند / کاین همه از یک تنه ی آدم اند

و یا در جای دیگر:

اصل درختی است کهن کز بهشت / کند خداوند و در این دشت کشت

ماجرای دل شکستگی اش در سال های دانشجویی آغازی بود برای جوشش غزل های سوزناک این شاعر رمانتیک؛ غزل هایی برای غزال از بند گریخته اش. غزل سرایی های او و همراهانش باعث دگرگونی و تحولی در غزل فارسی شد که آغازگر جریانی به نام "غزل نو" هست. شهریار شاید به دلبر خویش نرسید اما غزل ها و سروده هایش مرده ریگی است بس گوهر وار برای جهانیان.

کرچه دانم آسمان کردت بلای جان ولیکن / من به جان خواهم تو را عشق ای بلای آسانی



داراب شهر تنگه ها

شهر داراب علاوه بر جاذبه‌های تاریخی، مذهبی و سیاسی که دارد، جاذبه‌های گردشگری و تفریحی بسیار زیادی را در خود جای داده است و همانطور که از اسم شهر پیدا است، آب که سرمنشا آبادانی است، دلیلی شده بر وجود این همه جاذبه در شهر داراب؛ همین سر منشاء شهر داراب را با اینکه در منطقه گرم و خشک است به شهری چهار فصل تبدیل کرده که هر فصلش زیبایی‌های منحصر به فرد خودش را دارد، که همه گردشگران را با وجود تمام بی‌مهری‌ها به این شهر می‌کشاند. "**تنگه رغز**" یکی از معروف‌ترین جاذبه‌های شهرستان داراب است که نه تنها از ایران، بلکه از کشورهای خارجی نیز گردشگر به کشورمان وارد می‌کند. این تنگه در دشت‌های بین داراب و فسا قرار گرفته است که در آن ارتفاعاتی وجود دارد، در آن ارتفاعات، حوضچه‌ها و آبشارهای مملو از آب قرار دارد و نکته حائز اهمیت در مورد آن، این است که باید حتماً به همراه یک راهنمای بومی به این جاذبه تفریحی بروید و دلیل آن، راه سختی است که وجود دارد و اگر برای اولین بار است، حتماً یا به همراه راهنما بروید و یا با تورهایی که به قصد دیدن این منطقه حرکت می‌کنند، همراه شوید. برای رفتن به این تنگه باید به شهر داراب بیایید و پیشنهاد ما این است که به سمت فرعی روستای حسن‌آباد بروید تا هم از جاذبه‌های بین مسیر استفاده کنید و هم راه راحتی را انتخاب کرده‌اید، بقیه راه که چیزی قریب به ۴ کیلومتر است را باید پیاده حرکت کنید که ۲ ساعت برای پیمودن این مسافت، زمان نیاز دارید. به گفته بومی‌ها ۶۴ آبشار وجود دارد اما تنها ۱۲ تا ۱۴ آبشار آن، توسط گردشگران شناخته شده است و ارتفاع این آبشارها بین ۴ تا ۶۵ متر گفته شده است. بهترین زمان برای سفر، فصل‌های پرب آب است که با جست‌وجو در اینترنت، تورهای تنگ رغز را مشاهده می‌کنید و تنها کاری که شما باید انجام دهید، بستن کوله و عزمی جزم برای تفریح در طبیعت است. در پایان، لوازم کوه‌نوردی را فراموش نکنید که حتماً مسافرتان را آسان خواهد کرد.



آبشار شور و شیرین

در فاصله ۱۳۰ کیلومتری جنوب شرق داراب، و در دل گرمای سوزان، چشمه ای از دل کوه می جوشد و به پیش می آید، نام این **آبشار زیبا، فدابی** است. این آبشار در منطقه فورگ (فرگ) و در شهر فدابی در مسیر جاده ترانزیتی شیراز به بندرعباس واقع شده و هر ساله میزبان تعداد بسیاری از علاقمندان به طبیعت است. یکی از ویژگی های آبشار فدابی وجود چهار نوع **آب شور و شیرین و سرد و گرم** است که در فاصله ۲۰ متری آبشار شیرین با هم مخلوط می شوند و استخر طبیعی زیبایی را پدید می آورند. ارتفاع آبشار شور فدابی که در بالادست آبشار شیرین واقع شده، ۱۰ تا ۱۵ متر است. بخش شیرین آبشار در روزگاران قدیم، چیزی در حدود ۸۰۰ متر عرض داشته است اما هم اکنون در حدود ۲۰۰ متر از آن باقی مانده و هنوز هم عریض ترین آبشار طبیعی در سرتاسر ایران عزیز است. سرچشمه این آبشار شیرین، چشمه ای است که از دل کوه های مجاور می جوشد و در یک کیلومتری آبشار قرار دارد. آبشار آب شیرین در نقاط مختلف، دارای ارتفاعات گوناگونی است و ارتفاع آن بین ۱۲ تا ۲۰ متر متغیر است. این دو چشمه که سرچشمه آب شورند، با نام های بستان و مرزکوه رستاق شناخته می شوند و در تمام فصول سال جاری اند. آبشار فدابی در فصل بهار و تابستان یکی از تفرجگاه های اصلی فدابی است که افراد بسیاری را به سمت و سوی خود جذب می کند. این آبشار مکان مناسبی برای شنا و آب تنی در فصول گرم سال است و طبیعت چشم نواز و نخلستان های وسیع اطراف آن، مکانی مناسب برای طبیعت گردی است. بهتر است با امکانات کافی خودتان را به این آبشار زیبا برسانید.



بهشت گل های محمدی

روستای لایزنگان از توابع بخش رستاق، شهرستان داراب واقع در استان فارس، در بین رشته کوه های جنوبی زاگرس قرار دارد. لایزنگان، روستایی است کوهستانی با ارتفاع ۲۰۰۰ متر از سطح دریا. از شمال به شهرستان نیریز، از جنوب به روستای نوایگان و قلعه بیابان، از شرق به کوهستان بخش رستاق و از شمال غرب به روستاهای شکرویه و مروارید متصل است و در جنوب شرقی استان فارس و شرق داراب قرار دارد.

بهترین و مهمترین محصول این روستای کوهستانی گل محمدی است که هر ساله در اردیبهشت یا خرداد ماه، جشنواره گل و گلاب، برگزار می شود و پذیرای مهمانان از اقصی نقاط میهن عزیزمان است، که در آن پس از برگزاری یک برنامه فرهنگی، همه به سوی دشت گل محمدی حرکت می کنند.

در این روستا، بهترین باغ ها و بهترین گلزارها وجود دارد که در سه فصل آغازین سال، با هوای مطبوع و باغ های زیبایش، و در فصل زمستان، با برف و آب و هوای کوهستانی اش می تواند به یکی از مهمترین قطب های گردشگری استان تبدیل شود. این روستا علاوه بر تمام این ویژگی های طبیعی و تفریحی، به عنوان یک روستای دوست دار کتاب، و با نام دره فرزندگان، در آستانه ثبت در یونسکو قرار دارد. این کار در ابتدا توسط کسبه در مغازه ها که کتابخانه کوچکی قرار داده بودند شروع شد و امروز لایزنگان داراب، در خط اول گردشگری فرهنگی استان فارس قرار گرفته است.

دره گرند کنیون یا دره هایقر، انتخاب با خودتان!؟

تنگه هایقر در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان فیروزآباد و بعد از روستای رودبال واقع شده است. این تنگه بین شهرهای قیروکارزین در جنوب غربی جهرم، واقع در استان فارس است. طول تنگه در حدود ۸ کیلومتر است و رودخانه قره آقاج در بستر آن جریان دارد. عملکرد زمین ساخت پویا در این بخش از رشته کوه زاگرس، تاقدیس های زیادی پدید آورده است. تنگه هایقر یک برش در پهنای تاقدیس دهین است که نخست، عملکرد زمین ساخت، آن را پدید آورده و سپس فرسایش آب آن را گسترش داده و ژرف نموده است. دیواره های بلند دره، رودخانه پر آب جاری در کف آن و پژواک صدای پرندگان، منطقه ای کم نظیر پدید آورده که بستری ارزشمند برای گردشگری طبیعت به شمار می رود.

در میان طبیعت گردهای آمریکای شمالی، دره گرند کنیون "GRAND CANYON" (دره بزرگ) در ایالت خشک آریزونا آمریکا، یکی از مقصدهای هیجانی طبیعت گردی بوده و دره ای حیرت انگیز با سابقه زمین شناسی بیش از ۲ میلیارد سال است. جایی که در اثر فرسایش سنگ ها توسط آب ها به وجود آمده و نقشی را بر جا گذاشته است که همچون بسیاری از شگفتی های طبیعی آفرینش، قلم از تصویر این جشنواره زیبا از رنگ و نقش و حفره، عاجز است. دره خیره کننده گرند کانیون، تاکنون بارها جایگاه فیلمبرداری فیلم های سینمایی بوده است و با عمق تقریبی هزار و ششصد متر، بسیاری از گردشگران بین المللی را به سمت خود می کشاند؛ **اما در ایران نیز، شاهد گرند کانیون های زیبا و شگفت انگیز هستیم که تنگه هایقر فارس،** از آن جمله است. این شباهت باعث شگفتی بسیاری از کاربران فضای مجازی شده است. در اطراف این تنگه، معمولاً رودخانه پر آبی در جریان است که اگر به آنجا سفر کنید، صدای آب و آواز پرندگان اطراف، سمفونی شنیدنی و زیبایی را به ارمغان می آورد. هایقر با پستی و بلندی های عجیب، رنگ های متنوع صخره ها و دیوارهای بلندی که عمق شان به ۴۵۰ متر می رسد، طبیعت منحصر به فردی دارد. اتفاقاً همین تفاوت و اعجاب و همین طور شباهتش به «گرند کانیون» باعث شده بسیاری آن را نسخه ایرانی این دره معروف بنامند. قبل از سفر به این منطقه حتماً یک راهنما پیدا کنید و حتماً وسایل کوهنوردی و ابزار مناسب را به همراه داشته باشید؛ زیرا که متأسفانه امکاناتی در آنجا تعبیه نشده



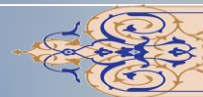


بهشت گمشده؛ گمشده ایران

نام اصلی این منطقه «**تنگ بستانک**» است که در بخش کامفیروز شهرستان مرودشت در فاصله‌ی ۱۲۰ کیلومتری از شهر شیراز قرار گرفته است. در گذشته، این منطقه که در امتداد رشته کوه دنا واقع شده است، منطقه‌ای ییلاقی محسوب می‌شد که تنها در بین افراد بومی شهرت داشت. این منطقه که تا دهه ۱۳۶۰ چندان در بین شیرازی‌ها و باقی نقاط ایران شناخته شده نبود، به دلیل طبیعت بی‌نظیرش مورد توجه گروه‌های کوهنوردی و طبیعت‌گردی قرار گرفت و کم‌کم توسط آن‌ها به شهرهای دیگر معرفی شد. تنگ بستانک منطقه‌ای کوهستانی با پوشش جنگلی است که منظره‌ای تماماً سبز و بسیار دیدنی را خلق کرده است. علاوه بر آبشارهای معروف این منطقه، منظره‌ی چشم‌نواز دریاچه سد «درودزن»، جنگل‌های انبوه بلوط، معماری روستاهای منطقه و شالیزارها، در مسیر رسیدن به تنگ بستانک، از دیگر جذابیت‌های این بهشت گمشده است. موقعیت جغرافیایی تنگ بستانک، امکان ارتباط جاده‌ای آن با تخت جمشید، پاسارگاد و نقش رستم از یک طرف، و چشم‌اندازهای آبشار مارگون و تنگ براق از طرف دیگر را فراهم کرده است که باعث شده تا از این نظر، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برای توسعه **گردشگری طبیعی** (اکوتوریسم) داشته باشد. بهترین زمان بازدید از این منطقه، فصل بهار و تابستان، خصوصاً ماه‌های اردیبهشت تا مرداد است. مسیر دسترسی به تنگ بستانک، از میان روستاهای بیضا و کامفیروز می‌گذرد، که چشم‌انداز باغ‌ها و کوچه‌های روستایی و زیبای آنها، مسیر رسیدن به این بهشت گمشده را به اندازه‌ی خود آن پرطرفدار کرده است.

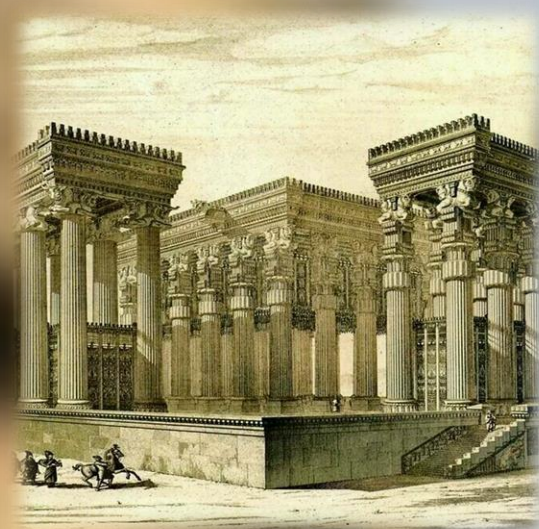
در پایان امیدوارم از سفر مجازی خود لذت برده باشید.

شاد و سربلند از سفرتان لذت ببرید.



تخت جمشید، شکوه ایران

مرو دشت با جاذبه‌های تاریخی و طبیعی ارزشمندی مانند تخت جمشید، نقش رستم، نقش رجب، شهر تاریخی اصطخر و همچنین تنگ بستانک یا بهشت گمشده، یکی از شهرهای گردشگری پذیر استان فارس است. مرو دشت یکی از شهرهای استان فارس در ۴۰ کیلومتری جنوب شیراز است. جاذبه‌های تاریخی و طبیعی این شهر که تخت جمشید گل سرسبد آن‌ها است، آینه‌ای تمام نما از تاریخ سلسله‌های بزرگ و باشکوه ایران باستان، یعنی هخامنشیان و ساسانیان هستند. شما با بازدید از آن‌ها شکوه و عظمت ایران باستان را با تمام وجود احساس می‌کنید. با بازدید از این جاذبه‌ها بیش از پیش با فرهنگ، تاریخ، نبوغ و هنر، آداب و رسوم و آئین‌های نیاکان خود در این دوره پر افتخار از تاریخ کشورمان آشنا می‌شوید. در ادامه شما را با دیدنی‌های مرو دشت، این شهر باستانی دیدنی، آشنا می‌کنیم. معرفی تخت جمشید آن چنان که شایسته آن است، حقیقتاً دشوار است و تا این شاهکار تاریخی را از نزدیک نبینید، نمی‌توانید عظمت آن را درک کنید. در هر قسمت از این مجموعه تاریخی که قدم می‌زنید شکوه و عظمت ایران باستان و سلسله هخامنشیان را با تمام وجود احساس می‌کنید. تخت جمشید که بدون تردید نمادی بی‌بدیل از نبوغ و هنر نیاکان ما است، به قدری جذاب و فریبنده است که دنیا را مجذوب خود کرده است و یونسکو نیز این اثر حیرت‌انگیز را در سال ۱۹۷۹ در فهرست میراث جهانی ثبت کرده است. تخت جمشید، مجموعه‌ای از کاخ‌های بسیار باشکوهی است که ساخت آن‌ها در سال ۵۱۲ قبل از میلاد آغاز شد و ساخت این کاخ به پایان نرسید و بخش‌هایی از آن نیمه کاره باقی ماند. تخت جمشید در محوطه‌ی وسیعی واقع شده که از یک طرف به کوه رحمت و از طرف دیگر به شهر مرو دشت محدود است. این کاخ‌های عظیم سلطنتی در کنار شهر پارسه که یونانیان آن را پرسپولیس خوانده‌اند، ساخته شده است. تخت جمشید در زمان ساخت، به زبان پارسی باستان، «پارسَه» نامیده شد، که به معنای «شهر پارسیان» است زیرا به ایالت پارس منسوب بود. یونانیان آن را «پرسپولیس» خوانده‌اند. واژه یونانی یادشده امروزه در بیشتر زبان‌های اروپایی بازتاب یافته‌است. ساختمان تخت جمشید در زمان داریوش اول در حدود ۵۱۲ ق.م، آغاز شد. نخست صدفه یا تختگاه بلندی را آماده کردند و روی آن تالار آپادانا و پله‌های اصلی و کاخ تچرا را ساختند. پس از داریوش، پسرش خشایارشا تالار دیگری را به نام تالار هدیش بنا نمود و طرح بنای تالار صد ستون را ریخت. اردشیر اول تالار صد ستون را تمام کرد. اردشیر سوم ساختمان دیگری را آغاز کرد که ناتمام ماند. این ساختمان‌ها بر روی پایه‌هایی ساخته شده که قسمتی از آنها صخره‌های عظیم و یکپارچه بوده و یا آن‌ها را در کوه تراشیده‌اند.



مهم ترین بخش های تخت جمشید، عبارت است از :

دروازه ملل : دروازه ملل نام کاخ کوچکی در شمال شرقی صفه تخت جمشید و جلوی پلکان ورودی است. علت نامگذاری آن به این سبب است که نمایندگان ملل مختلف، ابتدا از این دروازه وارد شده و سپس به کاخ های مختلف هدایت می شدند؛ به همین سبب، شکل این دروازه می بایست طوری باشد که قدرت و شکوه هخامنشیان را به همه یادآوری کند. این بنای زیبا به دستور خشایارشا ساخته شد و شامل یک سالن نسبتاً کوچک با سه در و چهار ستون ۵/۱۶ متری می باشد. دو ستون این بنا سالم مانده است و یکی دیگر را با قسمت های شکسته ستون های دیگر بازسازی کرده اند و این ستون بازسازی شده کامل ترین ستون تخت جمشید می باشد. نمای داخلی سالن با کاشی های سبز، آبی و نارنجی پوشیده شده بود و نمونه ای از این کاشی ها داخل انبار موزه تخت جمشید است.

کاخ آپادانا : گرد آمدن مهمانان بزرگترین امپراتوری جهان نیاز به تالار پذیرایی بزرگ و مجللی داشت و به همین دلیل داریوش، کاخ آپادانا را ساخت. آپادانا از نظر هنری، تاریخی، سیاسی و معماری، بزرگترین کاخ تخت جمشید است و نخستین بنای ایرانی است که سنگ بنا دارد. از نوشته های خشایارشا بر پلکان ها چنین برمی آید که ساخت آپادانا ۳۰ سال طول کشیده است. هر کدام از قسمت های شمالی، شرقی و غربی بنا، دارای ایوان هستند. در جنوب کاخ، یک ردیف اتاق قرار دارد و در چهار گوشه آپادانا چهار برج با نمای بیرونی قوس دار منقوش به آجرهای لعاب دار وجود داشته، و از هر برج، پلکانی به پشت بام راه داشت. در هر یک از سه ایوان، ۱۲ ستون سنگی در دو ردیف، سقف را نگه می داشته. چهارچوب درها با نقش برجسته هایی تزئین شده است که پادشاه و دو ملازمش را به تصویر می کشد که یکی سایه بان و دیگری شال حمل می کند.

کاخ تچر: تچر یا تچرا به معنای خانه زمستانی است. این کاخ نیز به فرمان داریوش کبیر بنا شده و کاخ اختصاصی وی بوده است.

روی کتیبه ای آمده: «من داریوش این تچر را ساختم.» همچنین از این کاخ به عنوان موزه خط نیز یاد می شود؛ به علت آنکه از زمان هخامنشی تا دوران قاجار می توان کتیبه های گوناگونی از زبان پارسی را در این کاخ دید. کاخ، روی صفحه ای به بلندی ۴/۲ متر ساخته شده است. مساحت کاخ ۲۹ در ۴۰ متر و اتاق مرکزی آن مربعی به ضلع پانزده متر است. دوازده ستون در آن به کار رفته شده است. چهارچوب درها با نقش برجسته هایی تزئین شده است که پادشاه و دو ملازمش را به تصویر می کشد که یکی سایه بان و دیگری شال حمل می کند. نقش برجسته های راه پله ای دیگر، خدمتکاران را در حال بردن جانوران و ظرف های سرپوشیده برای برپایی ضیافت را نشان می دهند. قرنیزهای گچ بری شده از روی نمونه ی مصری و سنگ هایی که مانند آیینه صیقل یافته اند، از جمله بخش های استثنایی این بنا هستند. بنا بر نظر کرفت، احتمالاً در جنوب کاخ داریوش باغی وجود داشته است. معماری هخامنشی، هنری است از نوع تلفیق و ابداع، که از سبک معماری های بابل و آشور و مصر و شهرهای یونانی آسیای صغیر و قوم اورارتو اقتباس شده و با هنرنمایی و ابتکار روح ایرانی، نوع مستقلی را از معماری پدید آورده است. هخامنشیان با ساختن این ساختمان بزرگ، می خواستند عظمت شاهنشاهی بزرگ خود را به جهانیان نشان دهند. تخت جمشید پس از هخامنشیان نیز مورد توجه دیگر حکومت ها بود، به طوری که پادشاهان ساسانی کتیبه هایی در تخت جمشید در کاخ تچر بر جای گذاشته اند. پس از ورود اسلام به ایران نیز این مکان را گرامی می شمردند و آن را هزار ستون یا چهل منار می گفتند و با شخصیت هایی همچون سلیمان نبی و جمشید ارتباطش می دادند. عضدالدوله دیلمی در تخت جمشید دو کتیبه به خط کوفی بر جای گذاشته است. همچنین کتیبه هایی به فارسی و هم به عربی در تخت جمشید وجود دارد که جدیدترین آن مربوط به دوره قاجار به فرمان مظفرالدین شاه قاجار نوشته شده است.



پلو ترش داراب

مواد لازم:

برنج | کلم قمری | گوشت گوسفند چربی دار | سیر نعنای | رب انار

دستور پخت:

ابتدا کلم ها را پوست گرفته و حلقه حلقه می کنیم. سپس برگ ها را تمیز می کنیم. گوشت را با نمک و زرد چوبه و پیاز می پزیم. سپس کلم ها را در آبگوشت ریخته و پس از پخته شدن در ظرفی قرار داده مقداری رب انار روی آن می ریزیم؛ برنج را آبکش کرده به طوری که دانه آن زنده باشد زیرا بعد همراه رب انار نرم می شود. برنج را در قابلمه ریخته و مقداری برگ نعنای و رب انار به آن اضافه کرده و آرام آرام زیر و رو می کنیم. بقیه نعنای و سیر های تمیز شده را در کنار قابلمه لای یکی دو برگ کلم گذاشته و برنج را دم می کنیم. می توان گوشت و کلم مزه دار شده را لای برنج گذاشت و دم کرد. اگر جا نداشته باشد می توان آن ها را زمان کشیدن غذا در دیس به صورت زیبایی تزیین نمود. برنج در وسط دیس، کلم و گوشت و سیر و نعنای در کنار آن، بسیار خوش رنگ، معطر و خوش طعم می شود. تهیه این غذا تقریباً وقت گیر است و می بایستی از روز قبل مخلفات آن را تهیه نمایید. این غذا اغلب مخصوص میهمانی های خاص است.

نوش جان



قرابی خوشمزه داراب

مواد لازم:

بادام خام پوست کنده و رنده شده ۱۵۰ گرم | شکر ۲۰۰ گرم
سفیده تخم مرغ ۳ عدد | خلال بادام، پسته و پودر گردو به میزان لازم

دستور پخت:

ابتدا سفیده های تخم مرغ، شکر و پودر بادام را در ظرف می ریزیم و تمام مواد را با یکدیگر مخلوط می نماییم تا خمیری که نه خیلی سفت و نه خیلی شل باشد، حاصل شود. سپس، از یک قیف با ماسوره ساده استفاده می نماییم و مواد را داخل آن ریخته و درون سینی فر که از قبل چرب شده یا کاغذ روغنی در آن قرار دارد، به صورت گلوله هایی می ریزیم. پس از آنکه همه سینی پر شد، خلال بادام و پسته و گردو ها را بر روی گلوله ها ریخته و در فر قرار می دهیم.

نکات کلیدی:

۱- از همزن و چرخ گوشت نیز می توان برای مخلوط کردن مواد با یکدیگر استفاده کرد.

۲- اگر قیف و ماسوره در اختیار ندارید، می توانید از پلاستیک نیز استفاده کنید. بین گلوله هایی که در سینی فر قرار می دهید باید فاصله داشته باشد.

۳- فر باید قبل از اینکه شیرینی ها در آن قرار بگیرند گرم شده باشد.

۴- دمای مناسب برای پخت این شیرینی ۳۵۰ درجه فارنهایت می باشد که ۲۰ تا ۳۰ دقیقه برای پخت آن کافی است. اگر پس از مخلوط کردن مواد، خمیر سفت شد می توانید کمی سفیده تخم مرغ به آن اضافه کنید.

صنایع دستی و هنری فارس

یکی از بهترین راه های شناخت مردم هر منطقه، از نظر علایق و نوع کار، مطالعه صنایع دستی آنهاست. صنایع دستی فارس به طور قابل توجهی غنی است؛ با این وجود امکان ندارد گردشگری به فارس سفر کند و از صنایع دستی آن خرید نکند. هم اکنون تولید انواعی از صنایع دستی در مناطق عشایری و روستایی و نیز در شهرهای استان فارس رواج دارد. بیشترین تعداد صنعتگران دستی در گروه بافته های قالی، گلیم و گبه در شهرستان فیروز آباد قرار دارد. پس از آن باید از خاتم سازی یاد کرد. پس از آن معرق چوب، منبت کاری چوب، ریزه کاری، نقاشی روی چوب سفال و سرامیک سازی، کاشی معرق کاشی هفت رنگ و نقاشی است.



گلیم بانی

در استان فارس بخش عمده ای از تولید گلیم توسط زنان و دختران عشایر ساکن و کوچ رو قشقایی فیروز آباد انجام می شود. در این منطقه برای بافت گلیم معمولاً از نقشه استفاده نمی کنند. نقشه ها ذهنی هستند و معمولاً از طرح هایی استفاده می شود که از نسل های گذشته به حال انتقال یافته و تغییرات جزئی در همان چهارچوب آداب و رسوم موجود در منطقه است. البته در سال های اخیر با راه یافتن گلیم بافی به مناطق شهری و روستایی استفاده از نقشه تا حدودی در گلیم بافی رایج شده است. برای رنگرزی نخ های پشمی مورد مصرف در پود گلیم از رنگ های گیاهی یا رنگ های شیمیایی استفاده می شود. مهم ترین مراکز تولید گلیم در استان فارس منطقه فیروز آباد، است. گلیم های قشقایی نه تنها در این منطقه که در سطح جهان نیز به واسطه اصالت نقش ها و رنگ های زیبا و کیفیت ممتاز بافت مشهور و مورد تقاضا است.

قالی بانی

هنر و صنعت بافندگی فارس در وهله نخست، هنری عشایری و در وهله دوم هنری روستایی است که وابستگی به عشایر دارد. عشایر فارس به ویژه قشقایی ها و ایل خمسه فیروز آباد بیش از دیگر عشایر به این هنر اشتغال دارند و روستائیان که در مسیر این ایل ها زندگی می کنند نیز به کار تولید قالی و سایر دست بافت ها مبادرت می ورزند. فرش بافان این شهرستان معمولاً دست بافت های خود را نه به عنوان یک کالای تجاری بلکه برای خود تولید می کنند و چون دنباله رو نوسانات بازار فرش نیستند، طرح های آن ها دارای رنگ آمیزی و طراوت خاصی است. البته در سال های اخیر بافندگان عشایری به بافتن فرش برای فروش و به سلیقه مصرف کنندگان روی آورده اند. لیکن غالباً همان بافت ذهنی و رنگ های مرسوم پیشینیان خود را مورد نظر قرار می دهند. بیشتر دارهای روستایی نیز افقی و گاه عمودی است. روستائیان فارس نیز هر سال تعداد زیادی قالیچه می بافند. این روستائیان که پیشینه ایلی و چوپانی دارند همانند عشایر از دارهای افقی استفاده می کنند ولی قالیچه های آن ها از نظر جنس، مرغوبیت قالیچه های ایلات را ندارد.



گیوه‌بافی

گیوه دوزی از فعالیت های مهم و صنعتی شهرستان مرودشت بوده و برای شروع گیوه‌دوزی در این شهرستان ابتدا باید کمری و دوری (بانه، چرم) را دوخت؛ دوری تسمه‌ای چرمی است که دورتادور تخت قرار می‌گیرد. برای دوختن کمری و دوری ابتدا با درفش سوراخی در دوری و تخت ایجاد می‌کنند و سپس با نخ و سوزن آن‌ها را می‌دوزند. پس از آن یک تکه چرم را که سه گوش بریده‌اند برای قسمت پشت پاشنه پا به انتهای تخت می‌دوزند. گاهی برای زیبایی از چرم‌های رنگی روی آن دوباره دوزی می‌کنند. سپس قالب‌های چوبی را داخل تخت گذاشته و رویه را روی آن می‌کشند و شروع به دوختن رویه به دور تخت می‌کنند. سپس با مشت محکم روی گیوه می‌کوبند تا رویه شکل قالب را به خود گیرد. جلوی قالب پوزه باریک و پشت آن که خود متشکل از چند قالب مکعبی است، مستطیلی است که با اندازه گیوه همخوانی دارد. بعد از دوختن کمری و رویه که با درفش (دروش) کوتاه تیغه گردی انجام می‌شود قسمت اضافه دوری را به روی نوک گیوه بر می‌گردانند و با نخ و سوزن به رویه می‌دوزند. چون این قسمت در برابر سنگ محکم‌تر است به سنگ بر یاد می‌شود همچنین قسمت اضافی در انتهای دوری را هم به پشت گیوه می‌دوزند. برای بریدن نخ یا چرم اضافه از شفره استفاده می‌کنند و برای تیز کردن کش کارد و شفره از سنگ‌های آهکی کف رودخانه‌ها استفاده می‌کنند. مردم این شهرستان از این صنایع نیز برای کسب درآمد استفاده می‌کنند.



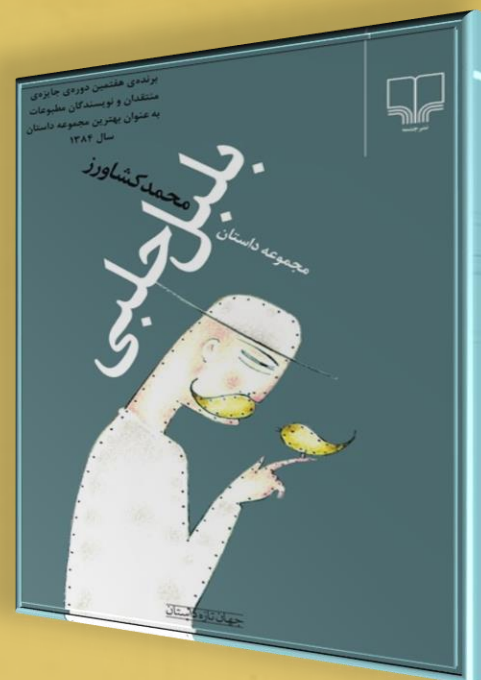
پیروزه‌بافی

پیروزه بافی به معنی بافت رشته‌های حاصل از الیاف گیاهی (سلولزی) به کمک دست و ابزار ساده دستی است که طی آن محصولات مختلفی مانند زیرانداز، سفره حصیری، انواع سبد، انواع ظرف و ... تولید می‌شود. پیروزه بافی خود پَخل بافی، بامبوباتی، مروارباتی، ترکه بافی، چم بافی و سبد بافی را نیز شامل می‌شود. چغ بافی نیز در زیرمجموعه حصیربافی قرار می‌گیرد با این تفاوت که در روند بافت علاوه بر الیاف گیاهی از نخ پشمی رنگ شده نیز برای ایجاد نقش و طرح‌های سنتی استفاده می‌گردد. حصیر بافی در شهرستان داراب، یکی از صنایع دستی اصیل و بومی است که در نقاط مختلف استان رواج دارد. رویش انواع گیاهان با توجه به اقلیم منطقه در کنار مرداب‌ها و آبگیرها سبب رونق انواع محصولات حصیری از دیرباز تاکنون در این منطقه شده است. این گیاهان در اواخر فروردین تا اوایل اردیبهشت ماه شروع به جوانه زدن می‌کنند و در پایان تابستان قبل از برداشت برنج نهایت رشد خود را دارند، در این زمان، برداشت این گیاهان انجام می‌گیرد که اغلب مردان به آن مبادرت می‌کنند. مواد اولیه حصیر بافی برگ درخت خرماست و این هنر یکی دیگر از هنرهای دستی اصیل و بومی داراب به شمار می‌رود که از گذشته دور تاکنون در نقاط مختلف رواج داشته است و زنان در پیروزه بافی شهرت خاصی را دارند. پیروزه بافی در داراب قدمتی به اندازه تاریخ یک قوم دارد که نسل به نسل توسط زنان و مردان منتقل شده است. برای ساخت حصیر برگ درخت خرما را به اندازه دلخواه پر می‌کنند و سپس آن را داخل آب قرار می‌دهند و آن قدر داخل آب می‌ماند تا رنگ برگ آن مایل به زرد شود و بعد از این مرحله حصیر را می‌بافند.





محمد کشاورز در سال ۱۳۳۷ در شهر شیراز زاده شد. وی از سال ۸۵ تا ۸۶ سردبیر مجله عصر پنجشنبه بود. برای نگارش داستان «شهود» از کتاب «پایکوبی» برنده جایزه ادبی "گردون" شد. دومین مجموعه او، "بلبل حلبی" در سال ۱۳۸۴ جایزه ادبی اصفهان، جایزه فرهنگ پارس و جایزه منتقدان و نویسندگان مطبوعاتی را در بخش داستان کوتاه از آن خود کرد. مجموعه داستان روباه شنی را در سال ۱۳۹۵ به نگارش در آورد که در سی و چهارمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب سال ایران برگزیده شد.



اول بار با مجموعه داستانی پایکوبی بود که خود را به عنوان نویسنده‌ای جدی معرفی کرد. نویسنده‌ای که اقتصاد کلمه را رعایت می‌کند اما این اقتصاد کم گویی نیست بلکه به اندازه گویی است. همه چیز از آغاز تا پایان در خدمت داستان است نه چیز دیگر. این نویسنده شیرازی واقع گرا است و به باور بسیاری از صاحب نظران، واقع گرا ترین نویسنده حال حاضر ایران. پایکوبی، بلبل حلبی، روباه شنی از مجموعه داستان های او است.

مجموعه داستان بلبل حلبی در ده داستان منتشر شد. این کتاب برنده هفتمین دوره جایزه منتقدان و نویسندگان مطبوعات، به عنوان بهترین مجموعه داستان سال ۱۳۸۴ شد. کشاورز در این کتاب، سرگردانی و ترسی در ضمیر شخصیت ها می‌نهد که داستان را تا مرز رؤیا می‌کشاند و خود آدم ها را تا مرز هذیان و جنون. این کتاب را در سراسر کتاب فروشی های کشور می‌توانید تهیه کنید.

بخشی از داستان را با هم میخوانیم :

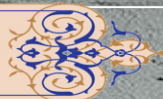
صدای زنم می‌پیچد تو اتاق. می‌آیم از پنجره پایین

- قرار بود امروز تماش کنی. کردی؟

باید بگویم و نمی‌گویم که مانده‌ام میانه‌ی داستان. ماجرا پیش نمی‌رود. اخت نیستم با آدم‌هاش. اُخت نیستند با من. تا می‌خواهم قصه را بکشانم به جایی که دلم می‌خواهد، آن همه دستورالعمل اداری مربوطه می‌پیچد به دست و پای من و آدم‌ها. بیزارم کرده از هر چه نوشتن. در جواب نگاه ساکت و ناامیدش که ماسیده روی من و میز و نوشته‌ها، انگار دیگر باید بگویم و می‌گویم: "چاره اش این است که دست و پای مرا بازتر کنند. آخر چه‌طور از لا به لای این دفتر خاطرات غلو آمیز، من آدم تیر خورده و مرده‌ی در خاک تفتیده‌ی جنوب را با بوی عطر گل سرخ بکشانم به داستان؟ یا یک تنه با یک خروار گلوله در سر و تن بکشانمش به رویارویی ده تانک دشمن و او بی‌خمی به ابرو کاری کند کارستان. یا وقتی گلوله صغیر کشان می‌آید رو به جنگجوی ایستاده به نماز، گلوله بشود غنچه‌ی گل سرخ، بچرخد دور سرش، آرام بیافتد روی سجاده‌ی توی دامنش."

برای دریافت کتاب بارکد را اسکن نمایید





جان و تن من فدای ایران

خون است دلم برای ایران

درکوش دلم نوای ایران

بہتر ہزار کونہ آدای

منوچہر ستودہ ۱۲۹۲_۱۳۹۵

خون است دلم برای ایران

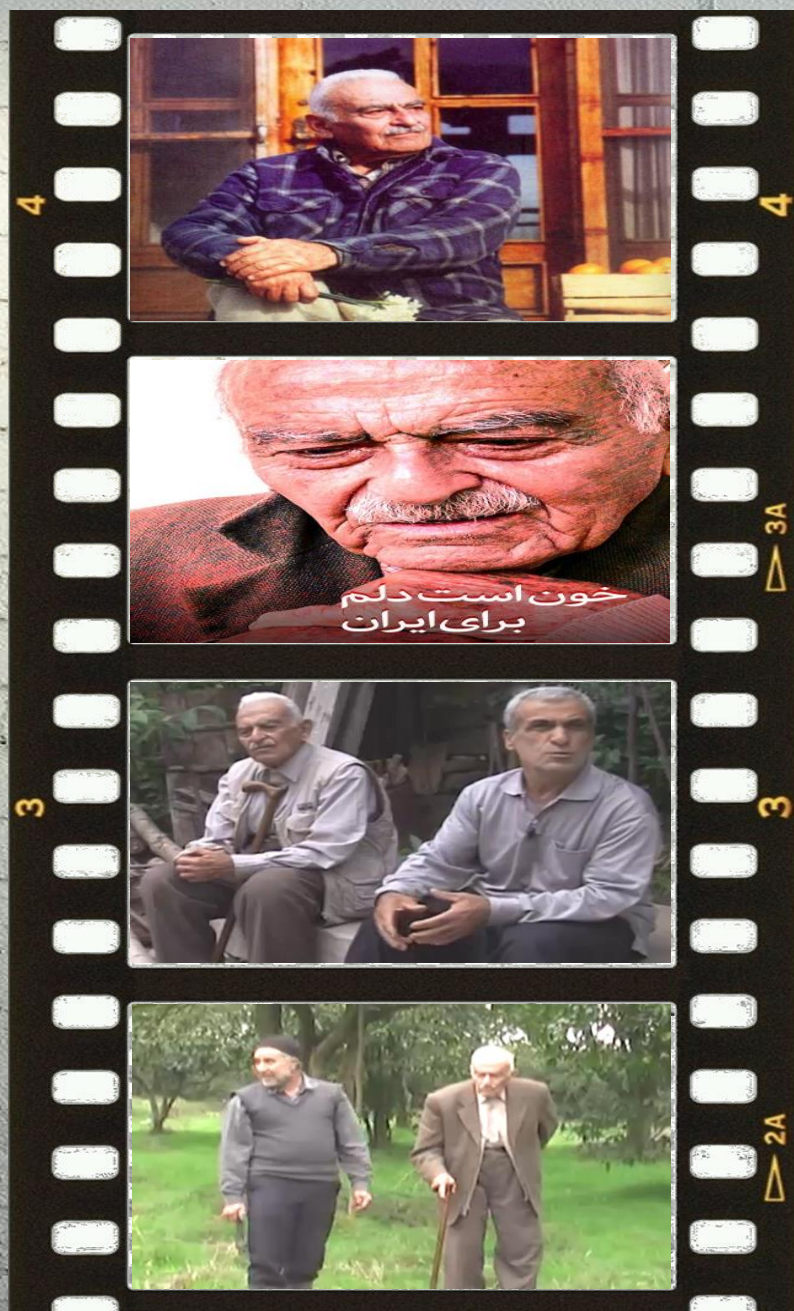
۶۶ دقیقه با منوچہر ستودہ. ۶۶ دقیقه شنیدن از پیری کہ عاشق است. عشقی کہ موجب می‌شود آدمی در آستانہ نود سالگی چند جلد کتاب دربارہ کردہای ایران روی میزش بچیند، بخواند و یادداشت بردارد. در روستایی دور از شلوغی زندگی کند، در میان مردم برود و بگوید و بخندد.

این مستند در سال ۱۳۸۷ بہ کارگردانی سید جواد ہاشمی ساختہ شد. در این ۶۶ دقیقه با فعالیت ہا و زندگی منوچہر ستودہ، **ایران شناسی**، جغرافیدان و پژوهشگر تا حدودی آشنا می‌شویم. همچنین با دیگر بزرگان ادب و فرہنگ ایران زمین، بزرگانی چون ایرج افشار، شفیعی کدکنی و

شفیعی کدکنی درمورد این پژوهشگر پرکار می‌گوید: "از این پس ہرکس بخواد در جغرافیای تاریخی تحقیق کند قطعاً یکی از منابع و مدارک ہمیش استناد بہ پژوهش ہای ایشان است."

این مستند بہ طور کامل زندگی استاد ستودہ را روایت نمی‌کند و از سختی ہا و خوشی ہای زندگی اش فقط سایہای بہ ما ارائه می‌دہد اما بہ ہر حال ہمین کہ نخستین مستندی است کہ منوچہر ستودہ را معرفی می‌کند اثری است ارزشمند، بہ ویژہ برای نسل جوان کشور عزیزمان ایران.

این مستند را تماشا کنید و لذت ببرید.





محرومیتی رشد ساز

از مشکلات و سختی های ابتدای تدریس برایمان بگویید؟

جدی ترین مشکل ابتدای تدریس ، عدم تجربه است؛ به نظرم کم تجربگی خود یک مشکل مهم است؛ به طوری که شما در رابطه با بودجه بندی کتاب طبق زمانی که در اختیار دارید، به مشکل برمی خورید و غالباً درس ریاضی از برنامه عقب می افتد؛ شاید کارورزی رفتن ما را در این رابطه خیلی امیدوار بکند اما باید این را در نظر داشته باشیم که در کلاس های کارورزی مسئولیت کلاس بر عهده معلم است و دانشجو هیچ گونه مسئولیتی ندارد، اما کلاس درس متفاوت از کلاس های کارورزی است؛ زیرا باید آخر سال همه کتاب ها را طبق بودجه بندی به اتمام برسانیم و از دانش آموزان بازخورد خوبی بگیریم؛ اگر همکاران با تجربه ای داشته باشید و جو خوبی بر مدرسه حاکم باشد به خوبی می توانید این مشکل را پشت سر بگذارید؛ مشکل بعدی که می خواهیم عنوان کنم شاید همه درگیر آن نشوند و در بعضی از مناطق وجود داشته باشد و آن بی عدالتی است، خیلی سخت می شود با بی عدالتی کنار آمد همانطور که امام علی (ع) می فرمایند: « چهار اتفاق اگر بیافتد یک سیستم نابود می شود و به قهقرا می رود:

سلام لطفاً مختصری از سوابق ، تحصیلات و سوابق خدمتتان را ارائه فرمایید.

به نام خداوند جان و خرد. سلام اینجانب سید محمد علی موسوی هستم. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، که برای چهارمین سال پی‌اپی با افتخار در مقطع آموزگاری منطقه درودزن خدمت می کنم.

بفرمایید که چرا شغل معلمی را انتخاب کرده اید؟

برای انتخاب شغل معلمی دلایل زیادی دارم ، اگر بخواهم از خیلی قبل ترها بررسی کنم ، باید بگویم که پدر بزرگم قبل از انقلاب در دهه های ۲۰،۳۰،۴۰ مکتب خانه داشتند و تدریس می کردند، فکر می کنم علاقه من به این شغل ارثی باشد. دلیل دیگر انتخاب من جایگاه و ارزش معلمی است فارغ از مسائل اقتصادی ، همانطور که امام علی (ع) می فرمایند: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»

ترجمه : «هرکس کلمه ای به من بیاموزد، مرا بنده خود کرده است» و خود خداوند نیز ، اولین معلم انسان بوده است.

۱_ تضييع اصول ، یعنی اصل ها نابود شوند؛

۲_ تقدّم فروغ ، فرع خود به خود جای اصل را بگیرد؛

۳_ تقدّم ارازل ، یعنی افراد ناشایست به پست و مقام برسند؛

۴_ تأخّر افاضل ، یعنی افراد شایسته خود به خود کنار می روند و منزوی می شوند.»

متأسفانه همه این اتفاق ها ممکن است در بعضی مناطق اتفاق بیافتد و اگر شما در آن منطقه خدمت کنید برایتان دشوار خواهد بود، اما تنها کاری که شما می توانید انجام دهید صبر و شکیبایی است، همگی امیدواریم که روزی آموزش و پرورش زیر نظر مستقیم رهبری قرار بگیرد و یا یک سیستم مستقل بشود.

ویژگی های محیط زیستی و تاریخی شهرستان مرودشت تا چه اندازه بر تدریس شما تأثیر داشته است؟

ویژگی های محیط زیستی شهرستان مرودشت خیلی به درس من کمک کرده است؛ مثلاً درمورد کشاورزی، که غالب دانش آموزان من شغل پدرشان کشاورزی است، خیلی خوب



می کنند ، و باعث می شود استعدادها بتوانند بهتر شکوفا بشوند.

با توجه به تجربیات خود بفرمایید که چه اقداماتی از طریق نومعلمان باید صورت گیرد تا کمبود امکانات مناطق ، بر عملکرد آن ها تاثیر بسزایی نگذارد؟

معلمان جدیدی که وارد مدرسه می شوند به استناد درس آموزش و پرورش تطبیقی وقتی که مدارس خودمان را با مدارس خارج از کشور مقایسه می کنند متوجه می شوند که ما چقدر کمبود امکانات داریم ، ما باید این کمبود امکانات را به عنوان یک تهدید ، با خلایق خودمان به فرصت تبدیل کنیم ، ما معلمان روابط عمومی بسیار قوی داریم و می توانیم افراد خیری را پیدا کنیم که به ما کمک کنند و وقتی ما بتوانیم طرحمان را خیلی خوب توضیح دهیم حتما افراد خیر بیشتر از حد توانشان به ما کمک می کنند ، من خودم شخصاً یک کتابخانه داخل کلاس ایجاد کردم که ابتدا از خود دانش آموزان خواستم که هر کس می تواند هر چه قدر که در حد توانش هست کتاب بیاورد و به کتابخانه هدیه کند ، بعد با خیران صحبت کردم و آن ها هم کمک کردند و کتابخانه کلاسمان را پر از کتاب کردیم ، این کار بسیار خوبی است و حتما به دانشجو معلمان توصیه می کنم که انجام بدهند ، چون باعث می شود فرهنگ کتابخوانی را از همین الان گسترش بدهیم و دانش آموزان هم خیلی خوب خواندن را یاد می گیرند و وقتی روخوانی آنها خوب بشود خود به خود بسیاری از مشکلاتشان حل می شود، من از بچه ها می خواهم که هر کس یک کتاب انتخاب کند و

آنها چندین برابر شود. محصولات روستای کندازی غالباً انار، گردو و بادام است و محصولات روستای دشتک غالباً گردو است.

با توجه به تجربیات خود چه راه هایی را برای بهبود تدریس در مناطق محروم در سال های اولیه تدریس به دانشجو معلمان پیشنهاد می کنید؟

مناطق محروم اگر چه دارای امکانات کمتری هستند اما صفا و صمیمیت خاصی دارند و اگر معلم ها بتوانند با حفظ شأن معلمی با دانش آموزان دوست بشوند و رابطه ای دوستانه ای برقرار کنند ، باعث می شود که دانش آموزان مسئولیت پذیر تر بشوند و خیلی بیشتر از قبل تلاش کنند و شما هم به مرور ، هم نسبت به شغل معلمی و هم نسبت به آن منطقه احساس خیلی خوبی پیدا می کنید، من این کار را انجام دادم و باعث شد که دانش آموزان حس محبت بیشتری نسبت به من داشته باشند به طوری که اکثر روزها با گل وارد کلاس می شدند.

چه راهکارهایی را برای بهبود بخشیدن وضعیت بومی شهرستان مرودشت در امر تدریس پیشنهاد می کنید؟

شهرستان مرودشت دومین شهر پر جمعیت استان فارس بعد از شیراز است که با توجه به همین موضوع، مدارس متعددی هم دارد اما متأسفانه تعدادی از این مدارس بسیار فرسوده و قدیمی هستند و من امیدوارم که یک روزی در شهرستان مرودشت یک مدرسه بزرگ شبیه یک دانشکده ساخته بشود و بتواند دانش آموزان زیادی را بپذیرد، اینطور هم رقابت ایجاد می شود و هم یک جو قوی، یکدست و متحد ایجاد می شود که همه از امکاناتی برابر استفاده

با آن آشنا هستند؛ و این باعث شده که من بتوانم درس علوم را خیلی روان تر تدریس بکنم ، ویژگی های تاریخی هم باعث شده که من وقتی مثالی در این رابطه می زنم دانش آموزان خیلی خوب درک کنند و چون غالباً همه به جاهای تاریخی رفته اند و آشنا هستند باعث می شود مسئله را بهتر بفهمند.

مشکلات یا مزایایی که وضعیت بومی شهرستان مرودشت برای تدریس شما به وجود آورده را ذکر کنید.

مناطق بومی مزایای زیادی دارد؛ مثلاً شما نمی خواهید مسافت زیادی را طی کنید تا به مدرسه برسید ، مدرسه به شما نزدیک است ، و ما همکارانی داریم که از شیراز می آیند و روزانه ۲۰۰ کیلومتر مسافت را طی می کنند تا به مدرسه برسند ، یکی دیگر از مزایای منطقه بومی این است که ، تنوع فرهنگی وجود ندارد یا شما تنوع فرهنگی کمتری حس می کنید ، به طوریکه خیلی بهتر می توانید با دانش آموزان کنار بیاوید و آنها می توانند بهتر با شما هماهنگ باشند.

کمی برای ما از جاذبه های تاریخی و گردشگری شهرستان مرودشت بگویید.

شهرستان مرودشت هم جاذبه های تاریخی دارد و هم جاذبه های طبیعی؛ جاذبه های تاریخی شهرستان مرودشت که تقریباً همه با آنها آشنا هستند مثل تخت جمشید، نقش رستم، شهر استخر و.... اما جاذبه های طبیعی این شهرستان مورد غفلت قرار گرفته مثل روستاهای قدیمی و توریستی کندازی و دشتک که واقعاً زیبا و شگفت انگیز هستند ، هر دوی این دو روستا در ارتفاع بالا قرار گرفته اند، دقیقاً روی کوه! خانه های قدیمی بسیار زیبایی داخل این روستاها است و این روستاها پوشیده از درخت هستند، همه این ویژگی ها کنار هم باعث شده جذابیت

داستان مد نظرش را پیدا کند و داخل خانه داستانش را بخواند و خلاصه آن را بنویسد و روزهایی که ما وقت اضافه داریم داستانش را در کلاس بخواند؛ و بعضی روزها که وقت کم می آوریم در کلاس ترافیک داستان داریم، اما تا آخر سال همه داستان هایشان را می خوانند و در نهایت با همین کار ساده، خیلی از بچه ها به کتاب و کتابخوانی علاقه مند می شوند.

بخش آخر، حرف آخر

حرف آخرم این است که ما معلمان باید این مسئله را درک کنیم که رئیس جمهورهای آینده، نماینده های مجلس، معلم ها و دکترها از همین نیمکت های چوبی رشد می کنند و حتی نویسنده ها نوشتن را از ما یاد می گیرند. ما نباید فراموش کنیم که اگر بهترین نباشیم و کم کاری کنیم و تأثیر بد بگذاریم، می تواند تا آخرت ادامه پیدا کند و به جامعه، کشور، مردم و انسانیت آسیب برساند؛ پس ما باید همه تلاشمان را بکنیم که بهترین باشیم.



۵. پنج



۴. چهار



۳. سه



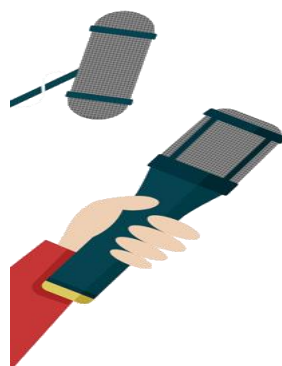
۲. دو



۱. یک



۸. هشت



۶. شش



۹. نه



۱۰. ده



۷. هفت

بارکدها را اسکن کنید تا صوت مصاحبه را دریافت نمایید



قال سید الجنین حسین می نامن حسین

ارباب...

کاش عاقبت تو و فرزندان همچو ابراهیم و اسماعیل می شد.
کاش علی اصغر نیز همچو اسماعیل پاهایش را بر زمین می کوبید و از دشتِ همچو آتشِ سوزانِ کربلا آب می نوشید.
کاش تیر حرمله همچو چاقوی ابراهیم نمی برید.
کاش رباب نیز همچو هاجر دوباره فرزندش را در آغوش می کشید.
کاش آتشی که به دلت افتاده بود همچو آتشِ ابراهیم، سرد می شد.

ارباب!

سجاد بعد از تو چگونه آب بخورد؟

نمی تواند.

فرات چگونه بعد از تو سرش را بالا گیرد؟

کاش تشنه کام به شهادت نمی رسیدی ارباب!

تصور دنیای پس از تو شدنی نیست؛

تصور سرمبارک پدری که حسین باشد، بر نیزه و در برابر چشمان کودکش شدنی نیست.

غم زینب قابل درک نیست ارباب!

غم تو با همه ی غم ها فرق دارد،

همان گونه که خودت با دگران، کربلا با همه جا و عاشورا با هر زمان دیگر.

خدا کربلا را خلق کرد برای عاشورا و عاشورا را برای تو.

تو حسین شدی؛ چون حسین بودی.

تو آفریده شدی برای آنکه راه میانبری باشی برای رساندن عاشقانت به خدا.



بارکد را اسکن نمایید تا صوت دلنشین آن را دریافت کنید



مدافع سلامت باشیم...

چند ماهی است که زندگی اجتماعی ما به وسیله‌ی یک ویروس منحوس مختل شده است. در بین تمام افراد جامعه، قشر زحمت کش کادر درمانی، بیشترین سختی را تحمل کرده و با فداکاری نشان داده‌اند که مدافعان سلامت جامعه هستند. ما در قبال این عزیزان مسئولیت داشته و تا جایی که ممکن است باید سختی کار این مدافعان را کاهش دهیم. مدافعانی که از خانواده و فرزندان خود، و مهم‌تر از همه، از جان خود گذشته و مشغول خدمت به جامعه یا همان مبارزه با کرونا هستند. بهترین کمک به این عزیزان پیشگیری از گسترش این ویروس و بهترین راه مقابله با این ویروس داشتن شناخت کافی از آن است. پس برای شناخت این ویروس با ما همراه باشید. گروه ویروس‌های کرونا از دهه ۶۰ میلادی تاکنون شناخته شده‌اند. این ویروس‌ها گاهی فقط عامل سرماخوردگی بوده‌اند و گاهی مرگبار. ویروس جدید این گروه با نام "کوید۱۹" به تازگی در ماه دسامبر سال ۲۰۱۹ شناسایی شد. ویروسی که هم‌اکنون پس از گذشت چند ماه با زندگی ما عجین شده و جان بسیاری از هم نوعان ما را گرفته است. این ویروس از طریق سرایت قطره‌ای مانند عطسه یا سرفه از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود و سرعت شیوع آن بسیار زیاد است.

خوب است بدانیم که شایع‌ترین نشانه‌های ابتلا به این ویروس تب و سرفه است. همچنین اختلال در تنفس، ضعف و ماهیچه درد، گلودرد و سردرد، بدن درد، اسهال و بی حالی از نشانه‌های این بیماری هستند. در صورت داشتن هر کدام از این نشانه‌ها به مدت سه روز، باید برای انجام آزمایش کرونا به مراکز درمانی رفت. این ویروس بیشتر برای افراد بالای ۵۰ سال و افرادی با بیماری‌های غیرواگیردار مانند سرطان، بیماری‌های تنفسی و... خطرناک و مرگبار است؛ اما کرونا به اندازه‌ای پیچیده و مرموز است که از بین مبتلایان،

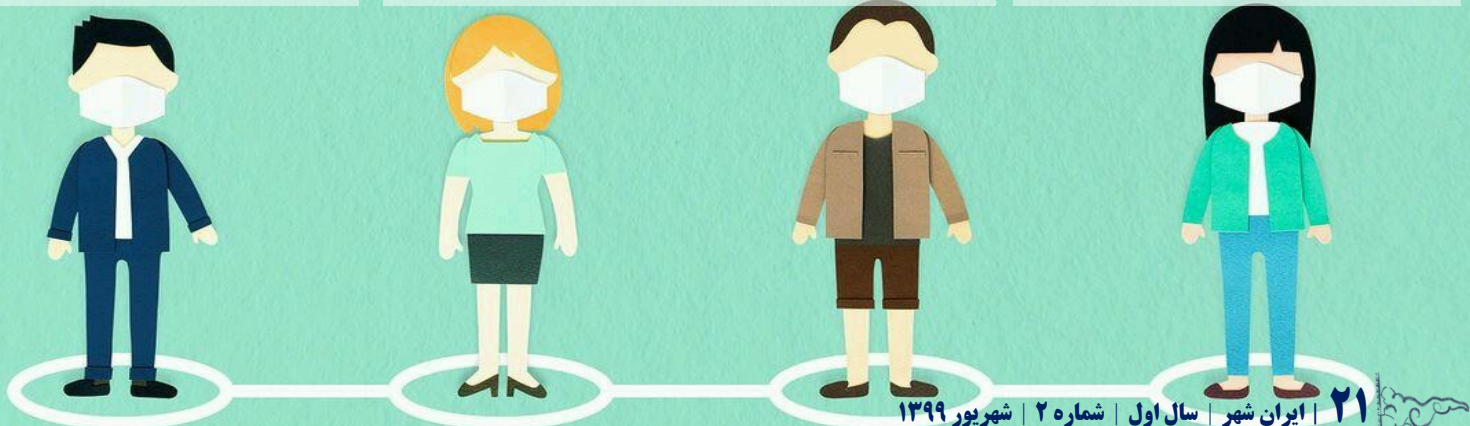


کسانی دیده شده‌اند که هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های ابتلا به این ویروس را نداشته‌اند. در صورت ابتلا به این بیماری فرد مبتلا در بیمارستان یا خانه برای دست کم ۱۴ روز قرنطینه می‌شود. طبق گفته دانشمندان، این ویروس واکنشی ندارد و برای دستیابی به واکسن آن کمینه باید یک سال انتظار کشید. پس بهترین راه مقابله با این ویروس مثل همیشه پیشگیری است.

ماسک اجباری و رعایت فاصله گذاری اجتماعی

بهرتر از مرگ است!

متأسفانه آمار مبتلایان در ایران روز به روز افزایش می‌یابد که از مهم‌ترین علل آن می‌توان عدم استفاده از ماسک، سفرهای غیرضروری، مراسم‌های عروسی و عزا را نام برد. باید تا جایی که امکان دارد از منزل بیرون نرویم و هر خانواده تنها یک نفر را به عنوان مسئول انجام کارهای بیرون از خانه مثل خرید و... تعیین کند. **سفر ممنوع** است و تنها در مواقع ضروری، باید از خانه خارج شویم آن هم با به همراه داشتن ماسک، دستکش و مواد ضدعفونی کننده. باید تمامی نقاط حساس مثل دستگیره درها دائماً پاکسازی شوند. تمامی خریدها به ویژه میوه‌ها و سبزیجات قبل از مصرف به خوبی ضدعفونی شوند. باید از تمامی گرد هم آیی‌ها، دید و بازدیدها و دور هم نشینی‌ها به ویژه مراسم‌های عروسی و عزا دوری کرد. با رعایت این نکات می‌توانیم در مقابله با کرونا پیروز شویم. در آخر جا دارد از تمامی هم‌میهنان عزیز که گامی برای شکست کرونا برداشته‌اند، مخصوصاً کادر درمانی زحمت کش، نهایت تشکر و سپاسگزاری را داشته باشیم و به آنها **"خدا قوت"** بگوییم. هرچند نمی‌توانیم زحمات کادر درمانی را جبران کنیم اما با رعایت این نکات می‌توانیم هر یک مدافع سلامت باشیم و به حفظ جان خود و هم‌میهنانمان و در نهایت، شکست کرونا کمک کنیم.



جنگل‌های زاگرس با گستردگی در ۱۱ استان کشور و شش میلیون هکتار مساحت، ۴۰ درصد جنگل‌های ایران را تشکیل می‌دهند. حدود ۷۰ درصد گونه‌های جنگلی زاگرس را بلوط‌ها شامل می‌شود و سایر گونه‌های درختی این جنگل‌ها افرا، کیکم، بنه، زبان‌گنجشک، گلابی‌وحشی، ولیک، ارغوان، انواع بادام و دیگر درختان است. جنگل‌های زاگرس اهمیت راهبردی بسیاری برای کشور ایران دارد و معیشت حدود یک و نیم میلیون نفر از مردم ساکن در مناطق زاگرس به جنگل‌های این مناطق وابسته است. ۴۰ درصد آب کشور از این مناطق تأمین می‌شود. این مناطق در وضعیت اجتماعی و اقتصادی ۱۱ استان زاگرس نشین نقش اساسی دارند و به طور کلی نقطه‌ای استراتژیک برای کشور محسوب می‌شود. با وجود اهمیت بسیار زیادی که مناطق زاگرس و به ویژه جنگل‌های آن دارند متأسفانه در سال‌های اخیر آتش‌سوزی‌های گسترده‌ای در این مناطق رخ داده است که بخش بزرگی از چراگاه‌ها این نواحی را از بین برده است. آتش‌سوزی جنگل‌های زاگرس، مراتع و مناطق حفاظت شده در جنوب و غرب زاگرس را شامل می‌شود. سه استان کانون اصلی این آتش‌سوزی هستند و اصلی‌ترین آتش‌سوزی‌ها در مناطق حفاظت شده کوه دیل و خانیز در استان کهگیلویه و بویراحمد و منطقه شکارممنوع کوه سیاه در استان بوشهر است. متأسفانه در ماه‌های خرداد و تیر امسال نیز دوباره آتش به جان مناطق جنگلی حوزه زاگرس افتاده و با وجود کوشش‌هایی که شده همچنان مناطق مهمی طعمه حریق شده‌اند. حجم زیاد آتش‌سوزی در جنگل‌های زاگرس در سال جدید و نیز سال‌های گذشته جدا از ابعاد خسارت، این پرسش را در میان افکار عمومی مطرح می‌کند که اساساً دلیل این حجم از آتش‌سوزی چیست؟ در ادامه تلاش می‌گردد تا به دلایلی که در وقوع آتش‌سوزی جنگل‌های زاگرس موثر است، اشاره شود:

کمبود نیروی انسانی در سازمان و نهادهای مسئول:

همیشه وقتی شاهد آتش‌سوزی در مناطق حفاظت شده زیر نظر سازمان محیط زیست و یا جنگل‌ها و مراتع زیر نظر سازمان جنگل‌ها و مراتع هستیم، یکی از بهانه‌ها و دلایلی که مسئولان امر برای پوشش کاستی‌ها و کم‌کاری‌ها استفاده می‌کنند، مشکل کمبود نیروی انسانی چه در بعد نظارت و رصد و چه در بعد مقابله و فرو نشانیدن آتش است. باید برای این مشکل راه‌حل‌هایی اندیشید. یکی از راه‌حل‌ها اختراع دستگاه‌هایی با فناوری‌های نوین است که بتوانند به سرعت، نیروی انسانی را در این زمینه یاری کند. البته خوشبختانه امسال در بخش‌های گوناگون نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در راستای مهار آتش‌سوزی، فعالیت‌ها و اقدام‌های مناسب و خوبی چون شناسایی مناطق مستعد و ارتقا مهارت اطفای حریق در حال انجام است.

صعب‌العبور بودن و لزوم استفاده از بالگردهای مجهز:

رشته‌کوه‌های زاگرس در بسیاری از مناطق به دلیل ارتفاع زیاد و صعب‌العبور بودن، امکان دسترسی آسانی ندارند و در صورت طعمه حریق شدن به بالگردهای مجهز نیاز دارند. با این همه، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کشور ما بالگردهای مجهز و پیشرفته که آمادگی صد در صدی برای اطفای حریق در کوهستان‌ها را داشته باشند، وجود ندارد. نمونه آشکار این مسئله آتش‌سوزی اخیر در ارتفاعات شکار ممنوع کوه سیاه استان بوشهر، دو بالگرد معین از استان مجاور یعنی استان فارس به منطقه اعزام شد که البته هر دو به دلیل نقص فنی موفق به اطفای حریق نشدند. این یک مسئله بسیار مهم و اساسی است که مسئولان اجرایی

باید برای آن چاره‌جویی کنند.

فقدان آموزش و ناآشنایی با ضرورت‌های محیط زیستی:

این یک واقعیت انکارناپذیر است که در کشور ما آموزش‌های ضروری و لازم در مورد ضرورت‌های محیط زیستی و نحوه برخورد انسان با محیط زیست به شکلی که در کشورهای در حال توسعه ارائه می‌شود، ارائه نشده است. دانش‌آموزان و دانشجویان در دوران تحصیل خود با انبوهی از متون و علوم رشته‌های مختلف و نیز فرمول‌ها رو به رو هستند که شرط قبولی آن‌ها در مقطع بالاتر مطالعه چندین و چند باره آنهاست، اما هیچگاه مطالعه در مورد محیط زیست از شروط موفقیت آن‌ها در تحصیل نبوده است. از این گذشته دیگر شهروندان نیز با اینکه به صورت روزانه با انبوهی از آموزش‌های رسانه‌ای در زمینه‌های مختلف رو به رو هستند، اما کمتر با محتواهای آموزشی در حوزه محیط زیست رو به رو می‌شوند و اساساً نرخ سواد زیست‌محیطی در کشور ما بسیار پایین است. مردم باید جنگل‌ها و مراتع را سرمایه خود بدانند و آن را به عنوان یک امانت ارزشمند و حیاتی به نسل‌های آینده بسپارند و این نیازمند فرهنگ‌سازی، تدوین قانون و برنامه ریزی جامع است.

عوامل طبیعی:

به همه موارد بالا باید عوامل طبیعی نظیر خشک شدن پوشش گیاهی، عدم بارش باران، خشکسالی، صاعقه و... را نیز افزود. نباید فراموش کرد حفظ و نگهداری منابع طبیعی یک وظیفه ملی محسوب می‌شود و کوتاهی در آن امری نابخشودنی است. پوشش گیاهی، مراتع، جنگل‌ها و فضای سبز در هر کشوری جزو سرمایه‌ها و دارایی آن جامعه به شمار می‌آید و حفاظت از این گنجینه ارزشمند در گسترش و آبادانی کشور نقش مهمی ایفا می‌کند؛ بنابراین رسانه‌ها، مسئولان، مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد باید جهادی برای رفع مشکل پای کار بیایند.

ایران بزرگ، مردمان بزرگ

همه ما با پیشینه تاریخی و باستانی استان فارس آشنا هستیم.

این استان با قدمت باستانی اش مهد بسیاری از بزرگان بوده است؛ بزرگانی که در سطح بین الملل برای بسیاری از عاشقان و سینه سوختگان علم، هنر و ادب شناخته شده و قابل احترام هستند. در دومین قسمت از معرفی مشاهیر این کهن سرزمین نگاهی کوتاه و اجمالی به برخی از بزرگان دو شهر فیروزآباد و داراب خواهیم داشت:

سردار زهرایی

نام **شهید اسلامی نسب** برای تمام ما نامی آشنا است و کمتر کسی نام او را نشنیده و در کوچه و خیابان های شهر تصویر ساده و بی آلایش او را ندیده است. شهید محمد اسلامی نسب، در ۱۳۳۳/۱۱/۲۸ در روستای لایزنگان از توابع شهرستان داراب در خانواده ای متدین دیده به جهان گشود. وی در آغاز انقلاب اسلامی در تظاهرات حضور فعالی داشت و در روز ورود امام خمینی (ره) به کشور، راهی تهران شد و موفق به دیدار رهبر خود گردید. او در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۴ در حالی که هنوز یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود به همراه ۸۰ تن از پاسداران دلیر این مرز و بوم، برای مقابله با گروهک های منافق و معاند، راهی کردستان گشت و پس از سازش هیئت دولت بازرگان با گروه های مخالف و اعلام آتش بس، از کردستان بازگشت و در خدمت شهید بزرگوار، آیت الله دستغیب، به حفظ گوهر گران بهای انقلاب اسلامی پرداخت و چندی بعد، حفاظت اطلاعات دادگاه انقلاب اسلامی را برعهده گرفت و در دوران جنگ تحمیلی راهی جبهه های حق علیه باطل گشت. وی در سال ۱۳۶۴ از ناحیه چشم آسیب دید و در عملیات والفجر ۸ دچار مصدومیت شیمیایی شد. باید اشاره داشت که این شهید بزرگوار علاقه فراوانی به ائمه اطهار (علیه السلام) و به ویژه حضرت زهرا (سلام الله علیها) داشت. سرانجام در عملیات کربلای ۴ با رمزی یا فاطمه زهرا به شهادت رسید و پیکر پاکش ۲۰ روز پس از شهادت، به شیراز انتقال یافت و در گلزار شهدای شیراز به خاک سپرده شد. به گفته تفحص کنندگان، پیکر پاک این شهید، درحالی که ۱۵ روز از شهادت وی گذشته بود، آنقدر شاداب و معطر بود که گویی چند لحظه پیش به فیض شهادت نائل آمده است. باشد که بتوانیم راه شهدا را به خوبی ادامه دهیم و پاسدار خون آن بزرگواران باشیم.

ستاره فیروزآباد

تمامی ما نام **ابن مقفع** را با کتاب کلیله و دمنه به یاد می آوریم؛ کتاب شیرین و پر مغز و سراسر پند و اندرز ابومحمد عبدالله بن مقفع با نام اصلی روزبه پور دادویه معروف به ابن مقفع، نویسنده و مترجم ایرانی آثار پهلوی به عربی و ساکن شهر بصره (۱۰۴ هجری قمری در فیروزآباد - ۱۴۲ هجری در بغداد). وی را با کنیه ابی محمد نیز می شناسند. ابن مقفع، از برجسته ترین نمایندگان تفکر علمی در سده دوم هجری است. کتب زیادی را از فارسی میانه به عربی برگردانده است. از میان کتاب هایی که ترجمه کرده است، می توان به کلیله و دمنه، تاج نامه انوشیروان، آیین نامه، سخنوری بزرگ (الادب الکبیر) و سخنوری خرد (الادب الصغیر) نام برد.





کمپین قلب های مهربان

حامی کودکان نیازمند

مهربانی در ماه مهر

پوشی خرید لوازم التحریر برای
کودکان نیازمند

با مبلغی اندک هم میتوان لبخندی آفرید



شماره کارت ۶۰۳۷ ۹۹۷۵ ۷۷۸۷ ۲۹۱۵
حسین عابدی

بیش از یک سال از فعالیت های کمپین "قلب های مهربان" میگذرد. فعالیت های گروه مردمی قلب های مهربان به لطف خداوند و همیاری دوستان عزیز طی این مدت به شرح زیر است:

تعداد زیادی اردوی جهادی در استان سیستان و بلوچستان و همچنین تعدادی از مناطق محروم شهرستان داراب، ۱۲۰ بسته آموزشی و نوشت افزار میان دانش آموزان نیازمند توزیع شد. ۱۲ دست لباس فرم مدرسه، در زمستانی که گذشت ۳۵ دست لباس گرم به دانش آموزان اهدا گردید.

برگزاری جشن ها و بازارچه های خیریه در پردیس های فارس که در آمد حاصل به بهزیستی تقدیم شد. در ایام کرونا ۴۰ بسته خوراکی به خانواده های نیازمند تقسیم شد و این ها تنها گوشه ای از فعالیت های کمپین میباشد که به لطف خداوند و مهرورزی شما عزیزان حاصل شد.

در این روز ها نیازمند دستان پر خیر و برکت شما هستیم تا دوباره کار های خیر را سر بگیریم.

ابن لطیف نقل زبان جنوبیان

داستان ها و حکایات، بخش عظیمی از رویدادهای اجتماعی عصر خویش را سینه به سینه یدک کشیده اند. داستان ها چه واقعی و چه خیالی بخش بزرگی از تاریخ ما را نشان می دهند. استان پهناور فارس به دلیل شرایط جغرافیایی گوناگون و وجود اقوام و ادیان متعدد در طول تاریخ، دارای داستان های بسیار زیادی است که هر داستان ریشه ای در فرهنگ و تمدن مردمان آن زمان و آن ناحیه دارد. شهرستان های مرودشت، فیروزآباد و داراب که هر یک قدمتی دیرینه دارند نیز از این قاعده مستثنا نیستند. وجود اقوام با زبان های ترکی، عربی، لری و فارسی، هر یک نشان از غنا و پرباری داستان در این سه شهرستان دارد. پل دختر در فیروزآباد با هزاران داستان در طول تاریخ، و نیز مرودشت، یادگار تمدن ایران باستان، داستان های بسیار زیادی از دل تاریخ، همراه خود دارند. داراب در جنوب فارس اقوام مختلفی را با زبان های متعدد در خود جای داده است که هر یک دارای داستانی از ریشه و بنیه تاریخی هستند. یکی از این

داستان ها داستان **ابن لطیف عطایی** است. ابن لطیف در سال ۱۲۹۲ در شهرستان داراب زاده شده است که داستان زندگی بر سر زبان مردم داراب است. ابن لطیف که نام اصلی او ایاز است، در سالی که در بین مردم، معروف به سال دردی (بیماری) است، تمام خانواده و فامیل خود را از دست می دهد ولی او که مجرد بود، سرپرستی قریب (نزدیک) به ۲۰ کودک بی سرپرست را به عهده می گیرد، تمام آنان را بزرگ کرده و روانه خانه بخت می کند و خودش تا آخر عمر همچنان مجرد می ماند. از آن تعداد کودک و زاد و ولدشان، طایفه ای به نام طایفه عطایی در شهرستان داراب شکل می گیرد. ابن لطیف اشعار بسیار زیادی دارد که مجموعه اشعارش توسط سید ضیا کمانه تحت عنوان شروه باران به چاپ رسیده است.

خبر از من ببر قوم و خویشان

بیابا و بروداراب و برگان

قناده چچکان زار و پریشان

بگو ابن لطیف رقتی هست

پیچکان: نام بومی که بیمار شد برگان: روستایی در داراب

سر انجام در سال ۱۳۱۷، ایاز در راه برگشت به قشلاق، بیمار می شود و در کوه های نیریز فوت می کند و در خیر استهبان به خاک سپرده می شود.





هفت منبرون

از مراسم هفت منبر داراب به عنوان یکی از آیین های سنتی در حوزه عزاداری امام حسین (ع) یاد می شود. بر اساس رسم دیرینه و سنتی هفت منبر که در شامگاه تاسوعا و پس از نماز مغرب و عشاء برگزار می شود، عزاداران و سوگواران حسینی (ع) با مراجعه به هفت مکان تاریخی و سنتی در محله ریگ آباد داراب، اقدام به برافروختن و روشن نمودن شمع نموده و شهروندان دارابی پس از این آیین سنتی و دیرینه، جهت اقامه عزاداری و سوگواری به مساجد، تکایا و هیئت های مذهبی محله های خود می روند. این هفت مکان که متعلق به سادات مشهور و نامی داراب است بدین شرح است: **امام زاده ابوالقاسم، بی بی کمانه، بی بی دختر، حاج سید عباس ابوالفتحی، سید هاشمی، سید معمار زاده، حسینیه ریگ آباد.** از قدیم این اعتقاد سینه به سینه به مردم رسیده و منتقل شده که در هفت منزل، افرادی مؤمن و پرهیزگار زندگی می کرده اند و مردم در زمان سکونتشان و نیز بعد از فوتشان با حضور در این منازل، نیت می کنند و از این فرصت به عنوان بهانه ای برای راز و نیاز و خلوت با پروردگار خود استفاده می کنند. آیین هفت منبران یا به گویش دارابی ها هفت منبرون، هر سال از عصر روز تاسوعا شروع می شود و تا پاسی از شب ادامه می یابد. کسی تاریخچه دقیقی از این آیین سنتی نقل نکرده که از چه زمانی شروع شده است اما نکته قابل توجه اینکه بیشتر کسانی که این آیین سنتی و تاریخی را اجرا می کنند، جوانان و بانوان هستند. اگر چه این روزها همراه با بانوان، برخی مردان نیز حضور دارند، اما از گذشته معروف است که آیین، آیین نذری بانوان است. هزاران جوان، زن و مرد، هرساله بدون دعوت یا فراخوان و تبلیغ، از داراب یا شهرها و مناطق اطراف، خود را به این محله تاریخی می رسانند تا در آیین هفت منبران شرکت کنند. براساس این آیین قدیمی، حاجتمندان، شمع به دست، هفت منبر را به عنوان زیارتگاهی، محل خلوت و راز و نیاز با خدایشان قرار می دهند. هفت منبران نزد شمار زیادی از شهروندان داراب به عنوان آیینی مذهبی - فرهنگی به شمار می رود که موجب می شود برخی مردم برحسب اعتقادات خود در این محل ها حاضر شوند.



رقص چوب

در جشن ها و عروسی ها، رقص چوبی گروهی زنان و مردان قشقایی بسیار زیبا و جالب است. در این جشن ها، زنان و مردان، هر یک دو دستمال در دست می گیرند و پیرامون یک دایره بزرگ می ایستند و با آهنگ گُرنا و دُهل، دستمال ها را تکان می دهند و با حرکات موزون پیش می روند. در رقص «دَرَمَرُو» یا چوب بازی نیز، مردان دوتا دوتا، و به نوبت با چوب های کوتاه و بلندی که در دست دارند به آهنگ ساز و دهل با یکدیگر می رقصند و مبارزه می کنند. عنوان دیگر، جامه های رنگارنگ زنان ترک زبان است؛ لباس هایی که با چارقدهای پولک دوزی شده و دامن های چین دار، ترکیب بسیار زیبایی را به وجود آورده است.



نا نَحس

نا نَحس اثری است از نیما خادمی دانشجوی دانشگاه فرهنگیان شیراز این مجموعه داستان شامل سیزده داستان کوتاه و یک داستان بلند است. نحوه‌ی چینش داستان‌ها به صورتی است که شما با شروع اولین داستان با کنجکاوی به مطالعه ادامه می‌دهید. با مطالعه‌ی این کتاب کم حجم در فرصتی مناسب و بانگاهی دقیق به زوایای گوناگون داستان‌ها، می‌توانید از خواندن آن‌ها لذت ببرید. داستان‌هایی نسبتاً کوتاه و عمدتاً در ژانر اجتماعی که مسائل روزمره را بانگاه خاص و پررمز و راز نویسنده به تصویر می‌کشند؛ داستان‌هایی که ذهن شما را وادار به درگیری با داستان می‌کنند.

اما نقطه‌ی عطف این کتاب، داستان بلند هود است؛ تمام ماجرای این داستان در یک مراسم خواستگاری اتفاق می‌افتد!

بخشی از آن را با هم مطالعه میکنیم:

پس از اینکه ندا به همراه هود وارد اتاق خواب خود می‌شود تا سنگ‌هایش را با او واکند، متوجه می‌شود زندگی هود سلسله داستان‌های پر رمز و رازی است که می‌تواند زندگی او را نیز تحت تاثیر قرار دهد؛ رازهایی که در نهایت هود را به یک گونه‌ی فرا بشری تبدیل می‌کند. رازهایی که شاید زندگی ندا را در شب خواستگاری اش تهدید کند....



عامل شهری به خلیفه نبشت که؛

دیوار شهر خراب شده است، آن را عمارت باید گردن. جواب
نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن و راه‌ها از ظلم و خوف پاک
کن، که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.

سیاست نامه، خواجه نظام الملک توسی

بارکد را
اسکن نمایید





سردار ایرانی



در گوشه گوشه تاریخ کشورمان مردان و زنانی هستند که به پیشرفت ایران و دفاع از کشور، همت گمارده‌اند. در زمان صلح، دانشمندان فرصت خدمت بیشتری به ایران داشتند و در زمان جنگ، سرداران و سربازان. هنگامی که بیگانگان به کشور می‌تازند، برای دفاع از وطن، شاهد حماسه‌های بی‌مانند هستیم و به هر دوره تاریخی که در ایران بنگریم این حماسه‌های پر شمار را خواهیم یافت؛ از نامدارترین این حماسه‌ها، هشت سال دفاع مقدس در دوران معاصر، جنگ با روسیه تزاری در زمان قاجار، جنگ با عثمانی در زمان صفویه، دفاع در برابر تازش مغولان در زمان خوارزمشاهیان و همچنین دفاع در برابر تازش اسکندر مقدونی در زمان هخامنشیان، هستند. در این نوشته می‌خواهیم به زندگانی سردار ایران زمین، که در زمان حمله

اسکندر مقدونی، برای دفاع از ایران برخاست، بپردازیم. **آریو برزن** یا آریا برزین یکی از سرداران ایرانی بود که در برابر سپاه اسکندر مقدونی ایستادگی کرد و خود و سربازانش تا آخرین تن کشته شدند. اسکندر پس از پیروزی در جنگ گوگمل به سال ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح، بابل و شوش و اصطخر را فتح نموده و به سوی پایتخت ایران رفت و برای رسیدن به تخت جمشید، که پایتخت ایران در زمان هخامنشیان بود، سپاه خود را دو بخش کرد، یکی از بخش‌ها به فرماندهی شخصی به نام پارمن یونوس از راه جلگه‌ی رامهرمز بهبهان به سوی پارس تاخت و خود اسکندر نیز با بخش دیگر سپاه از راه کوهستان‌های کهگیلویه روانه پایتخت ایران شد. سپاه پرشمار اسکندر در منطقه‌ای به نام بند پارس با سپاه ایران به فرماندهی آریوبرزن روبرو شد و با همه دلاوری‌ها و رشادت‌های ایرانیان، به علت کم بودن سپاه ایرانیان نسبت به سپاهیان اسکندر، در این جنگ شکست خوردند. یکی دیگر از علت‌های شکست ایرانیان در این جنگ، خیانت یک چوپان بود؛ چراکه آریوبرزن در کوه‌ها به نبرد با اسکندر می‌پرداخت؛ به علت نا آشنایی اسکندر با منطقه، نسبت به سپاهیان ایران، برتری کمتری داشت ولی این چوپان با نشان دادن راه کوهستان به سپاه اسکندر باعث شد سپاه دشمن ایرانیان را محاصره کنند. آریو برزن همراه با سپاهش که ۴۰ سوار و ۵۰۰۰ سرباز پیاده بود، تلفات سنگینی به دشمن وارد کردند و خط محاصره اسکندر را شکستند و قصد داشتند برای کمک به پایتخت بروند و پایتخت را پیش از اسکندر تصرف کنند و با ایستادگی نگذارند اسکندر پایتخت را بگیرد؛ غافل از اینکه بخش دوم سپاه اسکندر که از راه جلگه به سوی تخت جمشید یا پارسه حرکت کرده بود، پیش از او به شهر رسیده است. آریوبرزن و یارانش که مورد تعقیب سپاه اسکندر بودند، وقتی خبر تصرف شهر را شنیدند تسلیم سپاه اسکندر نشده و تا آخرین نفر جنگیدند و این نبرد، هنگامی پایان یافت که آخرین سرباز ایرانی کشته شد.

کالیستنس که از تاریخ نگاران یونانی و خواهر زاده‌ی ارسطو است، در سنجش این نبرد و نبرد گوگمل نوشته است:

اگرچنین مقاومتی در نبرد گوگمل در برابر ما صورت گرفته بود، شکست ما قطعی بود؛ در گوگمل با خروج غیر منتظره داریوش سوم از صحنه‌ی نبرد، واحدهای ارتش ایران نیز که در حال پیروز شدن بر ما بودند، در پی فرار داریوش سوم دست به عقب نشینی زدند و ما پیروز شدیم. داریوش در جهت شمال شرقی ایران گریخت و آریوبرزن در بلندی‌های جنوب ایران و در مسیر تخت جمشید به ایستادگی ادامه می‌داد. یکی دیگر از فرماندهان ایرانی این جنگ، که کمتر از او یاد شده، یوتاب **(درخشنده و بی‌مانند)** خواهر آریوبرزن است که او نیز فرماندهی بخشی از سپاه را بر عهده داشت و در کوه‌ها راه را بر اسکندر بست. یوتاب نیز مانند برادرش آریوبرزن در این جنگ کشته شد و نام خود را در آسمان تاریخ ایران زمین درخشان کرد.



کرونا در مقابل اقتصاد

تاثیر کرونا بر اقتصاد، قطعاً عمیق، طولانی مدت و چه بسا برای برخی کشورها ناگوارتر خواهد بود. تجربه کرونا یکی از بزرگ‌ترین شوک‌ها در نسل حال است؛ چراکه فعالیت‌های اقتصادی روزانه‌ی بسیاری از ملت‌ها را تغییر داده است و اثراتی منفی و حتی مثبت در آن ایجاد کرده است.

همه‌گیری کرونا چه تغییرات اقتصادی در سطح ملی ایجاد کرده است؟

در سطح ملی، کرونا باعث پررنگ شدن اقتصاد در حوزه سلامت و توجه به آن شده است. همچنین اقتصاد دیجیتال خیلی پررنگ، و کسب‌وکارهای تجارت الکترونیک بسیار فعال شده است. موضوع جایگزینی پول الکترونیکی به جای پول کاغذی بسیار مورد توجه قرار گرفت و این‌ها از جمله تغییرات مثبتی است که شیوع ویروس کرونا در عرصه اقتصاد ملی ایجاد کرد. شیوع ویروس کرونا، باعث توجه بسیار زیاد خانواده‌ها به مسئله بهداشت و سلامت شد و این موضوع ارتقای سطح سرمایه‌گذاری در نظام پزشکی کشور را در پی خواهد داشت. اقتصاد دانش‌بنیان حوزه دیگری بود که بر اثر کرونا در کشور مورد توجه قرار گرفت و تقویت شد و با استفاده از فضای مجازی، ظرفیت‌های بسیاری برای فعالیت‌های تجاری نوآورانه فراهم آمد. یکی دیگر از موضوع‌های اقتصادی که کرونا در آن نقش داشت، توجه بیشتر به بازار سرمایه برای تأمین مالی بود، توجه دولت به این بخش و روند خصوصی‌سازی نکته‌ای مثبت به حساب می‌آید که موجب سرعت یافتن جهش تولید نیز خواهد شد. در واقع بهترین نوع سرمایه‌گذاری در شرایط کنونی، حضور در بازار سرمایه است که دولت بسترهای آن را بیش‌ازپیش فراهم کرده است. امروزه بیشتر مردم در فضای مجازی به جای چک کردن صفحات شبکه‌های اجتماعی، وقت خود را به خریدوفروش سهام اختصاص می‌دهند که دارای منافع اقتصادی فردی و اجتماعی است. حمایت و نظارت دولت در جریان فعالیت بازار سرمایه، استفاده قشرهای مختلف مردم از این فرصت اقتصادی ایجادشده را سرعت خواهد بخشید و این موضوع به‌طور حتم، موجب رونق کسب و کارهای خرد و کلان کشور، در حوزه‌های مختلف تولیدی و خدماتی خواهد شد.

آیا ایران پس از کرونا، از نظر اقتصادی، با ایران پیش از کرونا، متفاوت خواهد بود؟

به نظر می‌رسد ایران پس از کرونا از نظر اقتصادی متفاوت از قبل باشد و با تجربه مدیریت این بیماری، ما هر روز شاهد دستاوردهای جدیدی در حوزه‌های اقتصادی به‌خصوص در بخش بهداشت و سلامت باشیم که قابلیت صادرات به کشورهای پیشرفته را نیز داشته باشد. امروزه جهش خوبی در رابطه بین صنعت و دانشگاه‌ها، برای رفع نیازهای اساسی کشور صورت گرفته است و هر روز شاهد هستیم که گروهی از محققان، دستاورد جدیدی را برای تولید عرضه می‌کنند که روند رو به رشدی را در عرصه داخلی سازی محصولات و مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تحریم‌ها نشان می‌دهد. در حوزه اقتصاد آموزش نیز بعد از کرونا شاهد تغییرات اساسی خواهیم بود چراکه امروزه فضای مجازی بهترین نقش را برای ارائه آموزش‌ها و خدمات دانشگاهی و سایر مهارت‌ها به مخاطبان برعهده گرفته و فرصت‌های جدید اقتصادی در این حوزه ایجاد شده است. استفاده از روش‌های سرمایه‌گذاری جمعی از دیگر بخش‌هایی است که در نظام اقتصادی ایران پس از کرونا بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که خود این مسئله، دستاوردی بزرگ برای تأمین مالی بود. طرح‌های کلان با استفاده از جمع‌آوری مبالغ خرد است؛ نمونه‌هایی از کارایی این روش در جریان کمک‌رسانی قشرهای مختلف مردم به نیازمندان، در این ایام نمایان شد که چگونه با جمع‌آوری مبالغ خرد می‌توان، حجم بزرگی از خدمات اجتماعی و بسته‌های حمایتی را ارائه کرد.

نگاهی مثبت به بیماری کرونا :

یکی از مهمترین پیش‌نیازها برای حفظ و توسعه اقتصاد ایران در شرایط ادامه‌دار بودن کرونا، تقویت سیستم بهداشت و درمان کشور و به‌روزرسانی زیرساخت‌های آن در همه مناطق است؛ چراکه این مسئله نقش مهمی در تقویت امید به زندگی و رونق فضای کسب‌وکارها دارد. برای زیست در شرایط کرونا باید همچنان بهره‌گیری از خدمات الکترونیکی در نظام مدیریت دولتی ادامه یابد و هرچه بیشتر تقویت شود و به‌سرعت، نظام الکترونیکی و اقتصاد دیجیتال، جایگزین روش‌های سنتی شود. شرایط به وجود آمده در اثر کرونا موجب شد تا زیرساخت‌های دولت الکترونیک و شبکه‌های مرتبط با آن در کشور تقویت شود که باید این روند ادامه یابد و ما از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به دنبال توسعه هرچه بیشتر امکانات خود باشیم. این مسئله کمک می‌کند که بسیاری از خدمات مورد نیاز مردم در کشور به صورت غیرحضوری ارائه شود که این دستاوردی بزرگ برای نظام و بخش اقتصادی کشور است و از صرف هزینه‌های کلان و مشکلاتی همچون هدر رفت زمان جلوگیری می‌کند و کمک مهمی به توسعه شرکت‌های فعال در حوزه دیجیتال است.



سوغات و فرآورده ها

داراب، یکی از شهرستان‌های استان فارس است که آب و هوایی گرمسیری دارد. مردمان داراب با کشاورزی و باغداری محصولاتی همچون گندم، جو، بنشن، پنبه، پرتقال، لیمو، نارنگی، گل محمدی لایزنگان، انجیر، انگور، انار و خرما تولید می‌کنند و بسیاری از آنها را نیز صادر می‌کنند که در اینجا به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم. مرکبات این شهرستان بسیار مشهور است و علاوه بر صادر به سایر شهرها، به کشورهای حوزه خلیج فارس نیز صادر می‌شود. در منطقه نوایگان به دلیل داشتن آب و هوای خاص و کوهستانی میوه‌هایی همچون آلو سیاه، زردآلو، گردو و بادام کشت و برداشت می‌شود و به دیگر مناطق صادر می‌گردد. در منطقه لایزنگان داراب، بزرگ‌ترین دشت دیم گل محمدی جهان وجود دارد که به دلیل این که به صورت دیم کشت می‌شود، کاملاً ارگانیک است. **بیش از ۲۵ درصد گل محمدی جهان** در این منطقه تولید می‌شود. گلاب داراب نیز به دلیل اینکه گلستان‌های آن به صورت دیمی آبیاری می‌شود، شهرت دارد. خرماي پيارم از ديگر محصولات مشهور داراب است که در نخلستان‌های فورگ داراب کشت می‌شود. یکی دیگر از محصولات پرتفردار داراب، انار "اشکفتو" است که بسیار مرغوب و آبدار است. این انار به این دلیل اشکفتو نام دارد که در شکفتی در منطقه لایزنگان کشت، و به صورت دیمی آبیاری می‌شود. از دیگر محصولات داراب که شهرت زیادی دارد، میوه "دارابی" است، که میوه‌ای شبیه پرتقال ولی بزرگتر و آبدار است. نام دیگر این میوه "بتابی" است. از دیگر فرآورده‌های بومی مردمان داراب، می‌توان به قالی بافی که در منطقه عطابخش به دلیل داشتن دام و دامداری رواج دارد، نام برد. حصیربافی نیز در منطقه فورگ به دلیل داشتن نخلستان رواج دارد که می‌توان آن را از سوغاتی‌های داراب نام برد. رب انار نیز به دلیل وجود انار مرغوب و آبدار در منطقه لایزنگان و تنگ طاها تولید می‌شود. از دیگر محصولاتی که توجه مسافران را به خود جلب کرده است نان تبری داراب است. دو کارخانه مهم سیمان و کارخانه تولید لوله پلی اتیلن نیز در شهرستان داراب وجود دارد.



دارابی



جاجیم

فیروزآباد یکی از شهرستان‌های استان فارس، دارای آب و هوایی معتدل، با مردمانی فارس زبان و ترک زبان است. از محصولات و سوغات شهر فیروزآباد، می‌توان **به انار، گلیم، جاجیم، گبه، حلوا ارده و روغن حیوانی اشاره کرد.** یکی از سوغاتی‌های مشهور این شهرستان، گل و عرقیات است که در شهر میمند تولید می‌شود و به نقاط مختلف صادر می‌گردد. از دیگر فرآورده‌های شهر میمند می‌توان به انگور، کشمش و مویز اشاره کرد. فیروزآباد را می‌توان مرکز سکونت قشقایی‌ها نامید، چرا که بیشترین آمار قشقایی‌ها در این شهر است. از آن جایی که دامداری در بین عشایر رواج دارد، قالیبافی و لبنیات محلی نیز از محصولات مشهور این شهرستان به حساب می‌آید.





مرو دشت یکی از شهرستان‌های استان فارس است که با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی در ارتفاعات کوهستانی و دشت‌های کم ارتفاع، پوشش گیاهی متنوعی دارد که از میان آن‌ها می‌توان به جنگل‌های بادام‌کوهی، بنه، بلوط، زالزالک، آلوچه‌ی وحشی و انجیرکوهی اشاره کرد.

در میان این مناطق، گیاهان دارویی همچون آویشن، جاشیر، ریواس، کما، گون، موسیر، بلهر، لبو، لاله‌واژگون، بومادران و دیگر گونه‌هایی همچون کنگر، خارشتر، خار زرد و اسپند وجود دارد که بسیاری از آنها به شهرهای دیگر صادر می‌شود. **شهرستان مرو دشت جایگاه نخست را در تولید گندم در استان فارس**

دارد. از محصولات باغی آن نیز می‌توان به انار و انگور که در شهرهای فاروق و سیدان تولید می‌شود، اشاره کرد که به دیگر مناطق نیز صادر می‌گردد. از سایر فرآورده‌های بومی این شهرستان می‌توان به قالی، گبه و جاجیم اشاره کرد که عشایر این شهرستان تولید می‌کنند. کارخانه قند این شهرستان نیز بسیار معروف است که در سال ۱۳۱۴ ساخته شد.



یکی مزده آورد پیش انوشروان
ترخار

عادل که: خدای تعالی فلان دشمنت
برداشت. گفت: هیچ شنیدی که مرا فرو
گذاشت؟

اگر بمرودو، جای شادمانی نیست

که زندگانی ما نیز جاودانی نیست

گلستان، سعدی شیرازی

کوشک بازی

نوعی بازی فیزیکی و پر تحرک که با ۳ نفر و بیشتر انجام می شود. به این صورت که یک نفر دستها را روی زانو قرار داده و خم می شود. افراد به نوبت از روی او می پرند. بلند و کوتاهی بازیکنان و مشکلات عبور از آنها، لحظات شاد و مفرح برای بازیکنان فراهم می کند.



تنور گرمه یا طاق طاق

در این بازی دو گروهه، یک گروه سرها را به هم نزدیک می کنند و تشکیل یک استوانه می دهند. یک نفر از آنها سر گروه هست و باید مواظب باشد تا نفرات گروه مقابل بدون لمس کردن بدشان توسط او، روی استوانه گروه داخل سوار نشوند و باید قبل از سوار شدن بتواند با چابکی ضربه ای به آن ها بزند و او را از دور خارج کند.



کاخ اردشیر بابکان



یکی از کهن ترین مناطق استان فارس، شهرستان فیروزآباد است که رونق آن به دوره ساسانی نسبت داده شده است. شهرستان فیروزآباد آثار ارزشمندی هم چون شهر باستانی گور، قلعه دختر فیروزآباد و چندین و چند سنگ‌نوشته ساسانی را در خود جای داده است. در این قسمت، به معرفی اثری بزرگ و ارزشمند، به نام کاخ اردشیر بابکان می‌پردازیم. این بنا دارای قدمت ۱۸۰۰ ساله است و در ۱۵ دی ماه سال ۱۳۱۰ هجری شمسی با شماره ۸۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. فیروزآباد در گذشته شهر گور یا جور نام داشته که بر اساس کاوش‌های انجام شده در آن منطقه، این شهر باستانی را بنیان‌گذار سلسله ساسانیان یعنی اردشیر بابکان، ساخته است. دستور ساخت بنای باستانی کاخ اردشیر بابکان را هم همین شاه ساسانی صادر کرده است. این بنا از نخستین آثار معماری برجای مانده از سلسله ساسانیان است که در نزدیکی روستایی به نام آتشکده واقع شده است. فاصله این اثر که مهم ترین جاذبه گردشگری فیروزآباد محسوب می‌شود، از شهر امروزی فیروزآباد، حدود ۲ کیلومتر است. برخی از کارشناسان و باستان‌شناسان کشور، بر این عقیده اند که این بنا، کاخ نبوده، بلکه یکی از آتشکده‌های بزرگ و مهم آن زمان بوده است. یکی از دلایل رونق و آبادانی این منطقه را، وجود نهر آبی می‌دانند که از کنار همین کاخ یا آتشکده عبور می‌کرده است. در برخی دیگر از متون تاریخی و سفرنامه جهانگردانی که به ایران سفر کرده اند هم درباره این بنا چنین نوشته شده است:

"از جمله آثار غریبه فیروزآباد، آتشکده آنجاست که آن را آتشکده اعظم نامیده‌اند." معماری این بنا، الگوی ساخت بناهای بسیار دیگری در ایران بوده است. سنگ و گچ، مهم ترین مصالحی هستند که در ساخت این بنا به کار رفته است. به عقیده برخی کارشناسان، این بنا نخستین بنای ساسانی است که در آن ایوان، طاق و گنبد به کار رفته است. تزئینات گچ‌بری زیبایی در جای جای این عمارت تاریخی وجود دارند که نمونه برجسته‌ای از هنر گچ‌بری در دوران ساسانی هستند. درون این بنای باستانی، تالارها و راهروهای تو در تویی وجود دارد که در نوع خود منحصر به فرد هستند. در بخش شرقی عمارت، چهار تالار گنبددار ساخته شده است.

حتماً شما هم تاکنون نام شهر باستانی دارابگرد را شنیده‌اید. شهری باستانی با پیشینه‌ای بلند، از توابع شهرستان داراب. در این بخش می‌کوشیم که شما عزیزان را بیش از پیش با این شهر باستانی آشنا کنیم. دارابگرد در ۶ کیلومتری جنوب شهر فعلی داراب قرار دارد. این شهر باستانی، با توجه به ظاهر عجیب و شگفت‌انگیزش که آن را از سایر شهرهای باستانی جدا می‌کند، بر اساس داستان‌های اساطیری بنا شده است. تاریخ‌دانان بر این باورند که این شهر، به دستور داریوش کبیر در این منطقه بنا شده است. این شهر، از قدیمی‌ترین شهرهای کشور عزیزمان محسوب می‌شود و آن گونه که آشکار است، پیشینه آن به بیش از ۲۵۰۰ سال می‌رسد. در واقع این شهر، یکی از پنج شهرستان ایالت پارس در ایران کهن بوده است. اوج شکوفایی و رونق دارابگرد، در دوران ساسانیان بوده است اما در دوران ایلخانان مغول و تیموریان مورد حمله قرار گرفته و بخش‌های زیادی از آن دچار آسیب شد. دور تا دور دارابگرد، دیوار گردی کشیده شده است که ارتفاع آن به بیش از ۱۰ متر می‌رسیده و هم‌اکنون، پس از فرسایش در طی سالیان سال، بلندای آن به ۷ متر کاهش یافته است. پشت نواحی بیرونی این دیوار، خندق‌هایی به عمق ۱۰ متر و عرض ۵۰ متر نیز حفر شده بوده تا به وسیله آن، حفاظت از شهر به بهترین شکل انجام شود. ناگفته نماند که طبعاً این خندق‌ها نیز دچار فرسایش شده‌اند. اما چرا نام این شهر دارابگرد است؟ برخی معتقدند این نام به داراب، پسر اسفندیار برمی‌گردد که از او به عنوان داریوش بزرگ یاد شده است و در خصوص پسوند آن نیز برخی معتقدند به دلیل شکل ظاهری شهر که دایره‌ای شکل است چنین پسوندی انتخاب شده و عده‌ی دیگر آن را به معنای (ساخته شده) می‌دانند یعنی: ساخته شده به دست داراب.

دارابگرد





سفر مجازی به قلعه دختر



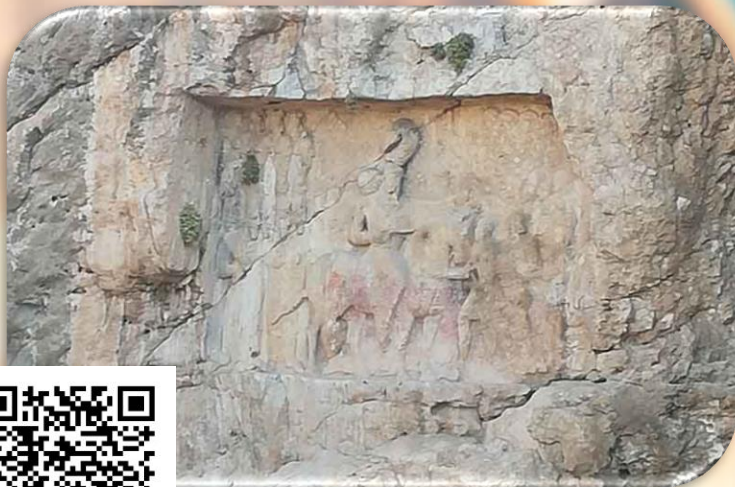
سفر مجازی به تخت جمشید



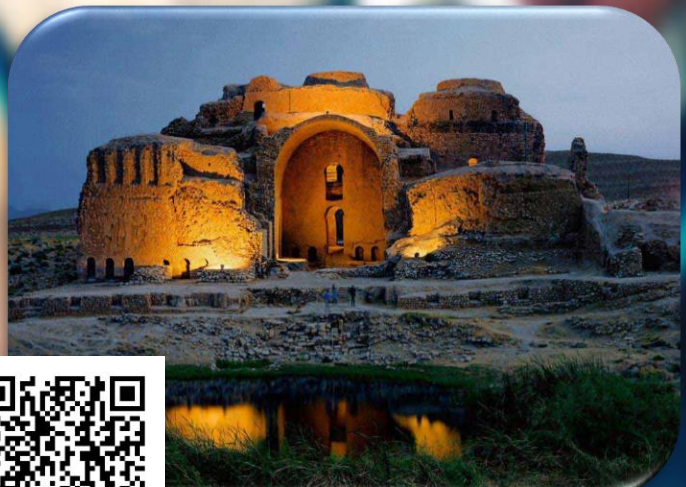
سفر مجازی به مسجد جامع داراب



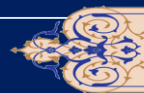
سفر مجازی به آرامگاه کوروش کبیر



سفر مجازی به نقش شاپور



سفر مجازی به کاخ اردشیر بابکان



شعر من دنیای من

خواندن ادبیات خوب لذت بخش است؛ درواقع به کار بردن کلماتی که از سطح خود فراتر رفته‌اند و معنا و احساس عمیق تری را بر دوش می‌کشند، به انسان کمک می‌کند تا بتواند از چهارچوب‌ها و محدودیت‌های ذاتی و طبیعی خود فراتر رفته و ذات بی‌کران خواه خود را، در عالم خیال و شاعرانگی، سیراب کند. از سوی دیگر، مطالعه‌ی زندگی و اندیشه‌های شاعران و نویسندگان مختلف، غالباً، می‌تواند ما را در شناخت هرچه بهتر لطافت‌های زندگی همراه با شاعرانگی و ادبیات آشنا کند. و این، خود بیانگر دلیل ضرورت خواندن ادبیات است؛ مخصوصاً در دنیای جدید که دغدغه‌های مالی، سیاسی، اجتماعی و روزمرگی‌ها، انسان را تا آستانه‌ی خفگی، در خود غرق نموده‌اند. باری در این مجال، به بررسی مختصر اشعار و زندگی دو تن از شاعران استان فارس، یعنی عالیجنابان اردلان سرفراز و غلام حسن اولاد خواهیم پرداخت.

اردلان سرفراز

کشیده سرنوشت من به دفترم خط عذاب

«من ...»

از آن خطی که او نوشت به یادگار، خسته‌ام

شعرم را زندگی کردم، زندگی‌ام را شعر»

در انتظار معجزه، فصل به فصل رفته‌ام

اردلان سرفراز در سال ۱۳۲۹ در شهر داراب واقع در استان فارس زاده شد. او فرزند ارشد خانواده بود و مادرش نیز در شعر دستی داشت. شروع زندگی شاعرانه اردلان در سال اول دبیرستان در مدرسه امیر کبیر و با تشویق معلمی به نام دانشمند بود. در جوانی برای تحصیل در رشته روانشناسی در دانشگاه عالی پارس پذیرفته شد و به تهران آمد، او به پیشنهاد پسرعموی مادرش (حسین سرفراز، شاعر و روزنامه‌نگار معروف آن زمان) در حین تحصیل برای گذران زندگی با رادیو ایران کار خود را به عنوان ترانه‌سرا آغاز کرد. پس از یک سال به دلایلی رادیو ایران را ترک کرد. اما سرفراز ترانه سرودن را به شکل حرفه‌ای آغاز کرد و در کنار ایرج جنتی عطایی و شهیار قنبری، به یکی از سه قله‌ی نوین ترانه‌سرایی در کشورمان بدل شد.

مجبی خویشان منم، از این حصار خسته‌ام

من همه تن انا الحقم، کجاست دار، خسته‌ام

در همه جای این زمین، هم‌نفسم کسی نبود

زمین دیار غربت است، از این دیار خسته‌ام

کشیده سرنوشت من به دفترم خط عذاب

از آن خطی که او نوشت به یادگار، خسته‌ام

کشیده سرنوشت من به دفترم خط عذاب

از آن خطی که او نوشت به یادگار، خسته‌ام

هم از خزان تکیده‌ام، هم از بهار خسته‌ام

به گرد خویش گشته‌ام، سوار این چرخ و فلک

بس است تکرار ملال، ز روزگار خسته‌ام

دل‌م نمی‌تپد چرا، به شوق این همه صدا

من از عذاب کوه بغض، به کوله‌بار خسته‌ام

همیشه من دویده‌ام، به‌سوی مسلخ غبار

از آن که گم نمی‌شوم در این غبار، خسته‌ام

به من تمام می‌شود سلسله‌ای رو به زوال

من از تبار حسرت‌م که از تبار خسته‌ام

قمار بی‌برنده‌ایست، بازی تلخ زندگی

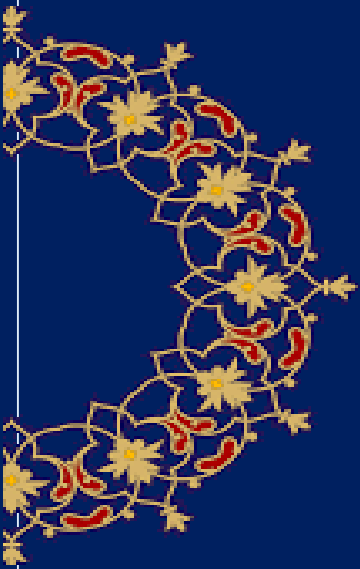
چه برده و چه باخته، از این قمار خسته‌ام

گذشته از جاده‌ی ما، تهی‌ترین غبارها

از این غبار بی‌سوار، از انتظار خسته‌ام

همیشه یاور است یار، ولی نه آنکه یار ماست

از آنکه یار شد مرا دیدن یار، خسته‌ام



غلام حسن اولاد

"ادبیات و شعر فخیم هزارساله ما زمین گیر شده و مردم، ظرف سال‌های اخیر یک‌باره با کتاب قهر کرده‌اند."

غلام حسن اولاد

غلام حسن اولاد در ششم آبان سال ۱۳۲۹، در فیروزآباد چشم به جهان گشود. از ۱۰ سالگی به تشویق مادر شعر می‌سرود و وقتی ۱۸ ساله شد، اشعارش از رادیو شیراز پخش می‌شد. از سال ۱۳۵۰، شروع به همکاری با نشریه‌های گوناگون کرد و پس از انقلاب، یادداشت‌های برنامه‌ی "**خالو بالا خان**" را می‌نوشت؛ این برنامه با لهجه‌ی روستایی، به مسائل روز جامعه می‌پرداخت.

غلام حسن اولاد در قالب مثنوی، غزل و سپید شعر می‌سرود و هرچند زبان شعر او، سنتی است، اما نوعی از نوجویی، او را در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌دهد.

از آثار او می‌توان به "**تو سرو هم که نباشی بلندبالایی**"، "**بهار و تکه‌ی مهتاب**" و "**باغ آتش**" نام برد.

غلام حسن اولاد، بر اثر بیماری، در پنجم فروردین ۱۳۹۶ رخت از جهان بست.

خطا نکرده‌ام اما به پای من بنویس

قلم شده‌ست و دستم، به جای من بنویس

هنوز مردم این شهر دوست دارند

خوش است دل به دروغی، برای من بنویس

به دست خط تو عادت نکرده‌ام، شب را

سیاه نامه به روی صدای من بنویس

نفس کشیدنم اینجا خنک‌تر است

سبک ز خویش بر آ... آشنای من بنویس

دل تو دوست ندارد هوای ابری را

به جای حال خودت از هوای من بنویس

نوشتن سخن راست خون بهادارد

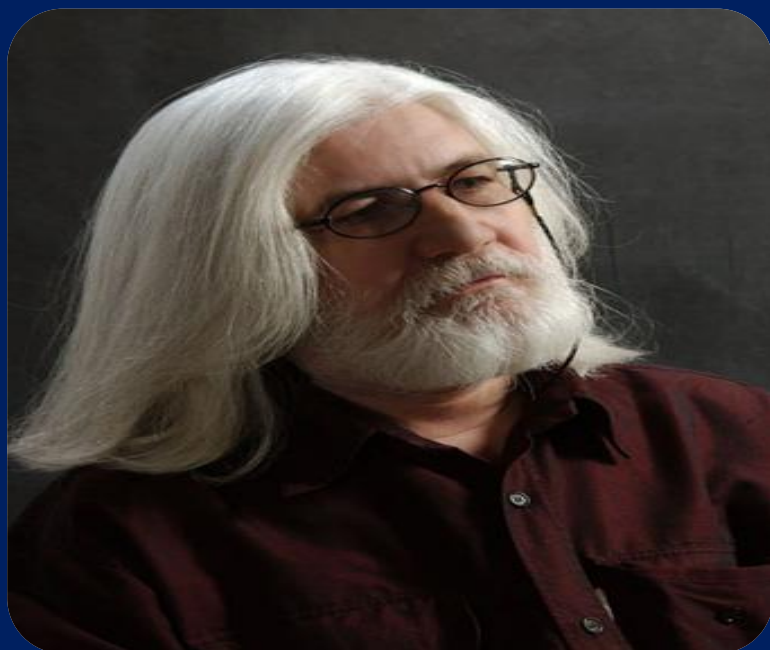
مبانی سخن راست پای من بنویس

من از خودم کله دارم که باد می‌کلام

برای ابل در و باج رای من بنویس

اگر چه رفتن از این شهر بهترین راه است

بان، حکایت این روزهای من

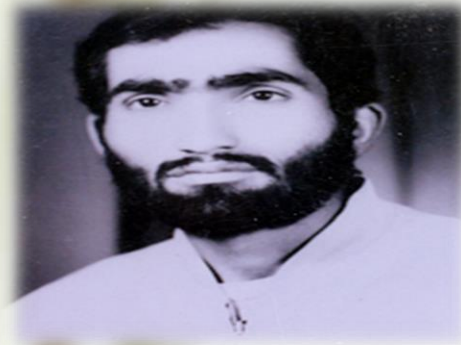


سردار زهرایی

در اواخر زمستان سال ۱۳۳۳ و در روستای لایزنگان از توابع شهرستان داراب، خانواده اسلامی نسب آغوش خود را برای ورود «محمد» باز کرد. سومین بهار زندگی این نو قدم، با مرگ جانشوز پدر همراه شد. او قرآن را در خردسالی فرا گرفت و به یمن همنشینی با کلام الهی، شکوفه‌های عشق و ایمان در دل نورانی‌اش شکفت. دوران دبستان را در روستا و مقاطع بعد را در شیراز گذراند و در کنار درس، مدتی نیز به کار مشغول شد. وی همزمان با بحبوحه انقلاب، در راهپیمایی‌ها حضور فعال داشت. در سال ۱۳۵۳ ازدواج کرد. آن عزیز پس از سه ماه نبرد علیه منافقین در کردستان به شیراز



بازگشت و با آغاز جنگ تحمیلی وارد عرصه جهاد در سرزمین خوزستان گردید و تا لحظه **شهادت** به مبارزه با دشمنان حق پرداخت. در طول این مدت در عملیات‌های گوناگونی شرکت کرد و از **ناحیه چشم مجروح شد**. در عملیات والفجر ۸ با سمت فرماندهی گردان امام رضا (علیه السلام) به خط رفت، و در اثر پخش مواد شیمیایی آسیب دید. این **شهید** بزرگوار علاقه ستایش برانگیزی به حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داشتند و بدین جهت او را «**سردار زهرایی (س)**» می‌خواندند و سرانجام در عملیات کربلای ۴ با رمز یا زهرا (س) در حالی که فرماندهی گردان امام رضا



از لشکر ۱۹ فجر را برعهده داشت، در سن ۳۲ سالگی در سال ۱۳۶۵ **شهید شیرین شهادت** را نوشید. از او ۵ فرزند به یادگار ماند. پیکر پاکش را ۲۵ روز بعد به دنبال عملیات کربلای ۵ به شیراز انتقال دادند و در دارالرحمه شیراز به خاک سپردند.

گفت و گوی سردار «محمدنبی رودکی» فرمانده لشکر ۱۹ فجر در دوران دفاع مقدس، در گفت‌وگو با خبرنگار حماسه و جهاد دفاع پرس به روایت خاطره‌هایی از حضور رهبر معظم انقلاب در مقر لشکر در اهواز:

شهید «محمد اسلامی نسب» فرمانده گردان امام رضا(ع) لشکر، در عملیات کربلای ۴ بود. او سال‌ها مسئولیت آموزش لشکر را بر عهده داشت. پیش از عملیات والفجر ۸ از من خواست که در خط مقدم و در کنار نیروهای عمل کننده حضور داشته باشم. در آن عملیات او را با حفظ سمت، مسئول محور عبور قایق‌ها و گردان‌ها از اروندرود قرار دادم. پیش از آغاز عملیات کربلای ۴، به قول ما شیرازی‌ها «دوباره پایش را در یک کفش کرد» و گفت: من دیگر نمی‌خواهم در آموزش بمانم و می‌خواهم جزو نیروی عمل کننده باشم. در نتیجه گردان امام رضا(ع) را تشکیل داد و خود فرمانده‌اش شد. مأموریت او و نیروهایش در کربلای ۴ این بود که پس از گردان‌های خط شکن وارد منطقه پنج ضلعی بشود و مقر تیپ عراقی‌ها را بگیرد. شب عملیات به علت موانع زیادی که روبروی مقر تیپ بود و تیربارچی آنها بر نیروها تسلط داشت، نیروهای گردان امام رضا(ع) زمین‌گیر شده بودند.

شهید اسلامی نسب با من تماس گرفت و گفت: حاج نبی تیربار عراقی‌ها تلفات زیادی از ما گرفته است. می‌خواهم خودم بروم آن تیربار را خاموش کنم. او به همراه بی‌سیم‌چی و یکی دو نفر از نیروهایش رفت. همان لحظه که نارنجکش را پرتاب کرد و به سنگر تیربار عراقی خورد، یک تیر نیز بر گلویش نشست و با ذکر یا زهرا(س) به شهادت رسید. پیش از این عملیات، خبرنگاری با او مصاحبه کرده بود و گفته بود: «ما در عملیات آینده پیروز می‌شویم. در این عملیات کسی ما را پشتیبانی می‌کند که هر وقت نام او را بر زبان می‌آورم (در همین حین بغض گلویش را گرفت و چند لحظه‌ای سکوت کرد و اشک ریخت). دوباره ادامه داد: «**من هر بار نام بی‌بی را بر**

زبان می‌آورم از خود بی خود می‌شوم.» این بار هم برای چند لحظه سکوت کرد و اشک ریخت. ما در آن عملیات پیروز نشدیم، و فرماندهان به این نتیجه رسیدند که چون دشمن سرمست از ناکامی ماست فرصت خوبی است تا در مدت زمان کوتاهی دوباره عملیات کنیم. لذا عملیات کربلای ۵ با رمز **یا زهرا(س)** انجام شد و پیروز شدیم. مرداد ۶۷، حضرت آیت الله خامنه‌ای که آن وقت رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع بودند به پادگان شهید دستغیب لشکر، در کوت عبدالله اهواز آمدند. ما عکس فرماندهان شهید لشکر را در آنجا نصب کرده بودیم. آقا تشریف آوردند. ایشان به عکس‌ها نگاه می‌کردند و زیر لب آیه‌ی بشارت را زمزمه می‌کردند. حضرت آقا وقتی به عکس شهید اسلامی نسب رسیدند، تأمل بیشتری کردند. پس از آن ویدئوی مصاحبه شهید اسلامی نسب را به نمایش گذاشتیم. آقا فیلم را به دقت نگاه می‌کردند. وقتی فیلم به آن بخش از مصاحبه شهید



اسلامی نسب رسید که می گفت: "من هر بار نام او را بر زبان می آورم..." در آن سکوت حضرت آقا فرمودند: "بگو... بگو که با ایشان ارتباط داری." سپس آقا نگاهی به من کردند و گفتند: آقای رودکی ایشان قبل از انقلاب چکاره بودند؟ گفتم: شغلش خیاطی بود و چهار فرزند دارد و از اعضای هیأت های مذهبی بود. حضرت آقا فرمودند: همان که ریشه دارند. سپس ایشان دستور دادند که فیلم را برایشان بفرستم. سردار دکتر غیب پرور در همایش بزرگ فداییان ولایت شهرستان کوار در شهریور ماه ۹۰، در بیان خاطره ای درباره یافتن پیکر شهید والامقام اسلامی نسب فرمودند:

تعدادی اسیر در کربلای ۵ گرفتیم. گفتیم جای بچه های ما کجاست؟ هر چه پرسیدیم پاسخ ندادند و می گفتند نمی دانیم. فکر می کردیم پافشاری می کنند و نمی خواهند همکاری کنند، مرتب قسم می خوردند و می گفتند نمی دانیم. تا سه ماه اسرا را نگه داشتیم، بعد از سه ماه گفتیم اسرا را تحویل دهیم. آنان را سوار ماشین وانتی که داشتیم کردیم. بین مسیر یکی از این عراقی ها روی سر کاپوت ماشین می زد و می گفت بایستید. در آن منطقه دو پوکه هواپیما که روی آن پرچم عراق کشیده شده بود دیدیم. اسرا گفتند یادمان آمد زمانی که شهدای شما را زیر خاک کردند این دو پوکه هواپیما هم بود. آن موقع مسئول خط بودم، به ایاز رنجبر که هم اکنون معاون اجرایی سپاه فجر فارس است گفتم اگر بچه ها پیدا شدند به معراج شهدا انتقال نده، خبرم کن تا بیایم و شهدا را ببینم. وقتی رنجبر خبر داد که پیکر شهدا پیدا شده آنجا آمدم، **پیکر شهید اسلامی نسب** بعد از سه ماه سالم بود و بوی عطر از آن بلند می شد. خدایا! خیلی عجیب بود. جنازه عراقی ها که یکی دو روز از آن می گذشت بوی تعفنش بلند می شد اما شهید ما هنوز پس از سه ماه پیکرش سالم بود. بعد از سه ماه و هشت روز که شهید اسلامی نسب را برای خاکسپاری آورده بودند پهلوی این شهید شکافته بود و خون تازه بیرون می آمد.

فرازی از وصیت شهید بزرگوار:

«بد نیست مقداری از چگونگی حالات ظاهری رزمندگان برای کسانی که هنوز گوششان با صدای آهنگ دلربای سنگرنشینان آشنا نشده در این کاغذپاره های ناقابل با دستی لرزان از گناه و دلی پر از امید به رحمت خدای مهربان بنویسم تا بدانند در جبهه ها چه می گذرد و در آنجا سراسر عشق به الله است. علاقه مند به محبوب و در جستجوی لقای اویند. از جبهه هایی سخن به میان آمده که رزمندگان آن از مرحله شعار به مرحله شعور و به مرحله عمل پای گذاشته و خود را در انتخابی بزرگ و در کوره های از کوره های آزمایش الهی قرار داده اند. جایی که انسان ها چون آهن گداخته آبدیده می شوند و ناخالص ها از

آن جدا می گردد و هر چه هست طلای ناب و یکدست است و محک آن آتش های سنگین دشمن و سختی های جنگ است. جایی که فرق مرد از نامرد، شجاع از ترسو، مدعی بی عمل از عمل کننده، راست گو از دروغگو مشخص می شود. جایی که سواد و علم تنها ملاک نبوده و بسا یک بسیجی که از تمامی امکانات و مدرسه محروم مانده در جبهه چنان استعداد و دلاوری از خود نشان می دهد که گویی سالیان دراز در حوزه درس خوانده و طریقه کمال و صراط مستقیم را پیموده است. و آنچنان به توپ ها و تانک ها و سلاح های دشمن لبخند تمسخر می زند که پنداری این گلوله ها نقل و نبات و یا گل های معطری است که او را گلباران می نمایند.»

او در وسط این گلوله باران ها آن چنان با قامتی استوار گام برمی دارد که گویی لحظه به لحظه آن آیه اطمینان قلب و سکینه برای او نازل می شود. او در مقابل شلیک گلوله های دشمن آن قدر شکیباست که دشمن از بردباری و اندیشیدن او ناامید می شود. مسئله شهادت چنان برایش حل گشته که با چشم، بهشت الهی را دیده و نظاره گر نعمت های الهی در آنجاست که خداوند به اولیا و شهدا ارزانی داشته است. چه بگویم از این جوانان بسیجی، سپاهی، ارتشی و جهادگرانی که حمله دامادی را رها کرده و جهاد فی سبیل الله را بر آن ترجیح داده و راه عشق بازی را برگزیده اند. راهی که برای رسیدن به وصال معشوق، خون جگرها و سختی ها و زحمات در بر خواهد داشت. البته این خون جگرها در گرفتن از کام از یار به شیرین تر از عسل مبدل خواهد گشت و کام یار، هر مرده ای را زنده تر از گل های بهاری خواهد کرد. شیرینی عشق بازی با یار آنچنان به انسان صفایی می بخشد که انسان از خود بی خود شده و همه چیز را فراموش می کند. برای عاشقان شهادت، شهادت آنچنان شیرین و لذت بخش است که با هیچ کدام از وعده های دنیوی او را مقیاسی نیست.

یاد و خاطره تمام شهدای هشت سال دفاع مقدس گرامی باد

۳۱ شهریور ماه آغاز هفته دفاع مقدس گرامی باد

شادی روح امام شهیدان و شهدای والامقام؛ صلوات

اللهم صل علی محمد و آل محمد



آموزش و پرورش در ایران باستان



تعلیم و تربیت مادها و هخامنشیان: در روزگار مادها توجه زیادی به آموزش و پرورش می‌شد و آموزگاران و دانشمندان مادی با به وجود آوردن الفبای ۳۶ حرفی، بزرگ‌ترین خدمت را به جامعه بشری نموده و توانستند زمینه یک فرهنگ و تمدن بزرگ را فراهم آورده و بعداً آن را در خدمت هخامنشیان بگذارند. **تعلیم و تربیت در عصر سلوکی و اشکانی:** در زمان حمله اسکندر و سپس دوره ی سلطه سلوکیان بر ایران، که دانش و علم رو به ضعف نهاد، طبعاً نظام آموزشی و مقررات حاکم بر آن نیز مختل گردید اما در زمان اشکانیان حیات علمی و آموزشی کشور از نو رونق گرفت. از این نکته می‌توان استنباط کرد که این دوره هم مانند دوره ساسانیان مغها خواندن و نوشتن و حساب کردن را می‌آموختند. در دوره اشکانی سن و طول مدت تحصیل تقریباً از دوره هخامنشیان تبعیت می‌کند که از ۷ سالگی شروع و تا ۱۵ سالگی ادامه داشت و آموزش‌های اختصاصی نیز از ۱۵ سالگی آغاز می‌شد. **تعلیم و تربیت عصر ساسانی:** در عصر ساسانی به واسطه احتیاج بیشتر به دبیران، کارگزاران و مأموران وصول مالیات، تعلیم و تربیت تا حدی بیش از دوره‌های قبل گسترش یافت. تعلیم و تربیت پسران به عهده مادر بود. جوان در ۲۰ سالگی مورد امتحان دانشمندان قرار می‌گرفت. **آیا کسب علم و سوادآموزی در ایران باستان طبقاتی بوده است؟** بسیاری معتقدند آموزش و پرورش در ایران باستان از امتیازات طبقه اشراف بوده است اما این امر در مورد همه ی برهه‌های زمانی صدق نمی‌کند، چنانچه گزنفون معتقد است: «هر فرد پارسی حق دارد فرزندان خود را به آموزشگاهی که در آنجا فضیلت، عدالت و پرهیزگاری تعلیم می‌دهند بفرستد و در واقع فرزندان همه پارسیان که احتیاج به کار کردن نداشته باشند می‌توانند به این مدارس داخل شوند و کسانی که قادر نباشند ناچار باید از این مزایا صرف‌نظر کنند. بنابراین اساس و پایه تعلیم و تربیت در جامعه هخامنشی کاملاً الزامی بود تنها تفاوتی که افلاطون گزارش کرده است ابزار و امکانات این کار در مورد فرزندان خاندان سلطنتی و به‌ویژه شاهزادگان با تربیت‌شوندگان دیگر متفاوت بوده است.

آموزش و پرورش از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی در همه ی جوامع است. این نهاد پیشینه‌ای درخشان در ایران دارد که گویای وجود تشکیلات آموزشی در جوامع ایران باستان است و به کمک آن علوم و فنون مختلف آموزش داده می‌شد. **مهم‌ترین**

اهداف آموزش و پرورش در ایران باستان عبارت بود از:

۱. خدمت به اجتماع و کشور ۲. خدمت به خانواده ۳. بهبودی و تلاش جهت پیشرفت همه‌جانبه و رشد کامل
- در راستای این اهداف آموزه‌های «نظامی» و «اخلاقی» حائز اهمیت فراوان بود: **آموزه‌های نظامی:** از آن جا که ایران در عصر باستان پیوسته مورد تهدید دشمنان بود الزاماً هر ایرانی می‌بایست آموزش‌های نظامی لازم را می‌دید تا توان ایستادگی در برابر دشمن را داشته باشد. به همین دلیل به ایرانیان به‌ویژه پارسیان، انداختن تیر را از کودکی آموزش می‌دادند. به روایت یونانیان و مصریان، در میان پارسیان جنگیدن و جنگاوری بزرگ‌ترین حسن یک مرد پارسی بوده است و این فضیلت پیوسته شایسته پاداشی درخور و بزرگ بوده و شاهان به هنگام پیروزی بر دشمن به سلحشورترین سربازان خود پاداش می‌دادند. **آموزه‌های تربیتی و اخلاقی:** پارسیان در آموزش اخلاقیات به فرزندان خود بسیار مصر بودند. به گفته گزنفون «ایرانیان در بهبود سیرت و رفتار شهروندان خود بسیار اهتمام دارند. کودکان به مدرسه می‌روند تا عدالت و پرهیزگاری بیاموزند و این مرام در نزد ایشان همان قدر طبیعی است، که ما درباره ی الفبا آموختن اطفال خود حرف می‌زنیم». آموزگاران در تعلیم کودکان، تلقین فضائل به آن‌ها و آماده کردن آنان برای زندگی را مدنظر داشتند. موضوع عدالت یکی از بزرگ‌ترین اصول تربیت به‌شمار می‌رفت. از اصول دیگر، راستی و راست‌گویی بود، چنانچه کتیبه‌های به جای مانده از پادشاهان آن عصر، حاکی از اهتمام به این موضوع است. صفت دیگر وفاداری و حق‌شناسی بود و این حق‌شناسی نسبت به آموزگار مقدم بر همه بود و نسبت به والدین هم باید رعایت می‌شد. بالاتر از همه نسبت به آفریدگار و خالق روشنی که بر همه حق عظیم آفرینش و راهنمایی دارد.

انواع آموزش در ایران باستان:

۱. آموزش دینی و اخلاقی
۲. آموزش اداری و کشوری ۳. آموزش نظامی ۴. آموزش سیاسی
۵. آموزش صنعتی و حرفه‌ای

جشنواره های ورزشی و خوراکی

همه ساله جشنواره های متفاوتی در استان فارس برگزار شده که با استقبال خوبی روبه رو میشود؛ اما متأسفانه امسال به علت شرایط به وجود آمده توسط کرونا این جشنواره ها را تا به امروز نداشتیم به همین علت به گزارش چند جشنواره در سال های گذشته میپردازیم.

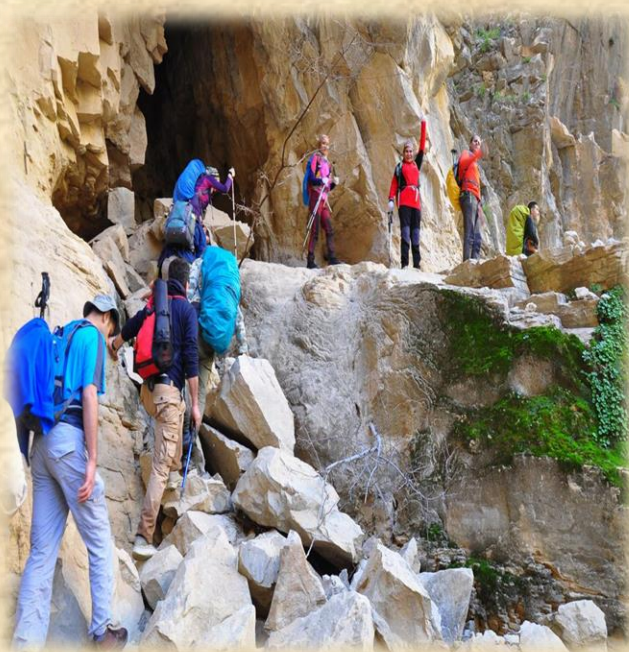
های لاین بر روی دره هایقر

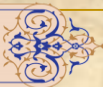
تنگه هایقر در ۳۵ کیلومتری جنوب غرب فیروزآباد، قرار دارد. یکی از زیبایی های توصیف ناشدنی فارس، تنگه هایقر است. این جاذبه زیبا و چشم نواز در بستر ۸ کیلومتری و پر پیچ و خم خود، میزبان رودخانه فیروزآباد است. تنگه هایقر با پستی و بلندی های عجیب، دارای صخره هایی بلند است که ارتفاع برخی از آن ها به ۴۵۰ متر می رسد. آنچه سبب اعجاز و شگفت انگیزی این دره است، عمق زیاد آن است. عمق این تنگه، آن را به منطقه ای جذاب برای ماجراجویان حرفه ای تبدیل کرده است. این دره هراندازه که زیبا و شگفت انگیز است، به همان میزان نیز خطرناک است. بنابراین برای بازدید از آن و صخره نوردی، باید حتما دارای امکانات بود و با راهنما یا گروهی که منطقه را کامل می شناسند، همراه شد. شاید تنها کسانی بتوانند از این منطقه با جزئیات کامل دیدن کنند که حتما سابقه کوهنوردی داشته باشند.

بندلغزی (Slack lining): فعالیت یا ورزش انجام حرکات تعادلی بر روی تکه ای از تسمه است که بین دو نقطه کشیده شده باشد اما زیاد سفت بسته نشده باشد. در بندلغزی تسمه ای کشیده شده بین دو نقطه، نسبتاً شل و پر از حرکت و تنش می باشد و بندلغز بدون استفاده از چوب و به کمک حرکات دست و بدن، تعادل خود را حفظ می کند. **های لاین (High line):** پیشرفته ترین، فنی ترین و چالش برانگیزترین شکل بندلغزی، حفظ تعادل در ارتفاع بیش از ۱۰ متر است. بندلغزی بین صخره ها و دره ها، های لاین نام دارد. راه رفتن بر روی های لاین با راه رفتن در ارتفاع کم در پارک بسیار متفاوت است؛ زیرا علاوه بر سختی های راه رفتن بر روی تسمه، باید با ارتفاع آن هم از لحاظ روانی کنار بیایید. در های لاین از تسمه ای به پهنای ۱۱ اینچ استفاده می شود.

نوروز ۹۸ تنگه هایقر فیروزآباد میزبان فستیوال جهانی "های لاین"

دومین جشنواره بین المللی «های لاین» ایران، از ۸ فروردین ماه ۱۳۹۸ بر روی «تنگه هایقر» فیروزآباد - استان فارس، به میزبانی هیئت کوهنوردی و صعودهای ورزشی استان فارس، با حضور ورزشکاران داخلی و خارجی آغاز شد. ورزشکارانی از کشورهای ایتالیا، آلمان و لهستان در این جشنواره حضور داشتند. در جشنواره مذکور بر روی «تنگه هایقر» چندین «های لاین» به طول های مختلف نصب شد که یکی از آنها، با درازا ۴۳۵ متر و بلندا ۴۵۷ متر، طولانی ترین های لاین نصب شده در ایران محسوب می شود. این جشنواره تا ۱۳ فروردین ماه سال ۹۸ ادامه داشته است.





در بیشتر سال‌ها، جشنواره‌های خوراک‌های سنتی و بومی در سراسر کشور عزیزمان برگزار می‌شود که هدف آن‌ها آشنایی با غذاهای بومی و سنتی در همه نقاط کشور و ترویج غذاهای سالم است. این جشنواره‌ها در بیشتر فصل‌های سال برگزار می‌شود. مخاطبین این جشنواره‌ها دانش‌آموزان، علاقه‌مندان، افراد بومی و گردشگران هستند. گزارش ما از غذاهای سنتی و بومی شهرستان‌های داراب، فیروزآباد و مرودشت است.

شهرستان داراب

جشنواره غذا در شهرستان داراب با حضور دانش‌آموزان و زنان فرهنگی سرپرست خانوار، در قالب دویست نمونه انواع غذا، دسر، ترشی، حلوا و شیرینی در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته که شامل غذاهای پلوتروش، کلم‌پلو، آش رشته، آش سبزی، حلیم بادمجان، سمبوسه دارابی، کماچ دارابی، کوکو سبزی، ماهی آب‌پز، مرغ نمکین، مرغ شکم‌پر، کوفته هویج، کوفته هلو، رولت هویج، مرصع پلو، ته‌چین مرغ، پلوماهی، قانعی، رولت، سالاد الویه، زرشک پلو، کیک مرغی، ماکارونی و انواع کیک و شیرینی، که با هدف آشنایی با غذاهای سالم و ایجاد برانگیختن نشاط و شادابی در دانش‌آموزان و زنان سرپرست خانوار برگزار شده است. در یکی از جشنواره‌های غذا، غذاها به فروش رسید و صرف امور خیریه شد که نکته‌ای بسیار مثبت در میان جشنواره‌ها بود.

شهرستان فیروزآباد

جشنواره غذا در شهرستان فیروزآباد با اهداف آشنایی با غذاهای بومی، فرهنگ ترویج استفاده از غذاهای پُرانرژی و سالم، و پرهیز از غذاهای مضر برگزار شد. در این جشنواره چهل نوع از غذاهای بومی شهرستان به نمایش گذاشته شد. در یکی از جشنواره‌های غذا که در روستای سرتل فیروزآباد برگزار شد، چهل نفر از زنان روستا به رقابت پرداختند که افزون بر داوری برتری غذا و طعم و مزه آن، از نظر میزان پایین بودن شکر، نمک و روغن نیز ارزیابی شد و در پایان به سه نفر از تهیه‌کنندگان، به قید قرعه، جوایزی پیشکش شد. غذاهای بومی فیروزآباد شامل آش الوک، آش بنه، بابونه‌پلو، مربای لیمو ترش، سوزه پلو، برشلیگ، باما، رنگینک و... است.

شهرستان مرودشت

در بیشتر سال‌ها، جشنواره غذا علاوه بر شهرستان مرودشت، در روستاهای این شهرستان نیز برگزار می‌شود که اهداف آن آشنایی دانش‌آموزان و علاقه‌مندان با غذاهای بومی و سالم است. در یکی از جشنواره‌ها، جشنواره گلیم در کنار جشنواره غذا برگزار شد. شرکت‌کنندگان در بخش سفره‌آرایی، پخت غذا، شیرینی و دسر، ارزیابی شدند. یکی دیگر از جشنواره‌ها، با مشارکت بیش از هزار دانش‌آموز دختر برگزار شد که از بخش‌های مختلف مرکزی، کر، سیدان، درودزن و کامفیروز دست‌پخت‌های خود را به رقابت گذاشتند، که شامل غذاهایی همچون آش کشک، آش دوغ، آش کارده، دمپختک و آب‌بنه بود.



برای از تو سرودن زمان کم آوردم

برای از تو سرودن زمان کم آوردم

تو را ورای حسابِ هر آدم آوردم

درون سفره‌ی شعرم برای تو بانو

دو لقمه حسرت و یک استکان غم آوردم

به لطف اینکه تو در شعر من شدی جاری

هزار مصرع و صدیبت محکم آوردم

چه باک اگر که مرا کافرم بیندارند

که اسم ناب تو را اسم اعظم آوردم

برای اینکه کسی بو به عشقمان نبرد

تو را کنایه و ایهام و مبهم آوردم

تو خود گلی ... نه ... که از هر چه گل قشنگ تری

مرا ببخش که یک شاخه مریم آوردم

مرا ببخش اگر گیر هیچ و بوج جهان

برای از تو سرودن ، زمان کم آوردم

"علی حقیقی"

۹۸/۳/۳۰

گویند عشق بهاری نویس

حال آنکه قلمی دارم از جنس زمستان...!

بهار؛ بهار را بین ...!

چگونه برگ های رخوتش را می تکاند

بر آسمان می فشاند

و تمامی انتظار های تبدیل شده به بخارش را تقدیم رفیق آبی رنگش می کند

او با آغوش گرم، همیشگی آن ها را در میابد

رخوت ها و دلتنگی هایش را جدا میکند

و عاشقی را بر تک تک دردانه های انتظار تزریق میکند

می بارد...!

میشورد تمام دل شکستگی های کوچه و بازار ها را

و من تنها نظاره گر رقص گیسوان بهاریت نشسته ام

از پشت پنجره ساکن نگاه می کنم

اما او حیات میدهد

خاک را راغب بر رویدن می کند

آب را راغب بر سیر می کند ...

اما... من

بر کرسی خیال تو تنها نشسته ام

اما ؛ منتظرم ...

نه به باران

نه به پامچال

نه به هیچ....

چرا که ؛ طلوع را پشت دروازه گیسوانت می بینم

تو چشمانت را باز کن

ستاره هایش را بر آسمان ذهنم پاش

من قول میدهم

صبح خواهد شد ... طلوع خواهد شد

"حمیده نوروزی مصیر"



منابع

- مهاجر، محمد باقر، نگاهی به شهر قدیم دارابگرد، مرکز داراب شناسی، ۱۳۸۵
- آزما، حسین، شهر من داراب
- سایت ایرانیکا، ایسنا، ۲۷ مرداد ۱۳۸۳
- شکور، غلامعلی، رضایی، محمد حسن، ۱۳۷۹
- آپارات، مصاحبه شهید اسلامی نسب، بارگزاری اسفند ۱۳۹۸
- آپارات، معجزه شهید اسلامی نسب، سردار غیب پرور، بارگزاری مرداد ماه ۱۳۹۷
- خبرگزاری دفاع مقدس، کامل رهبری، ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۴
- سردار زهرایی، خاطرات شهید محمد اسلامی نسب
- معصومه مرادی، شاعر و نویسنده‌ی کودک و نوجوان ۱۳۸۹
- مستند، خون است دلم برای ایران، ستوده، منوچهر، ۱۳۸۷
- بلبل حلبی، کشاورز، محمد، نشر چشمه، ۱۳۸۴
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، آتش سوزی زاگرس، ۱۷ خرداد ماه ۱۳۹۹
- خبرگزاری همشهری، آتش سوزی زاگرس، ۱۴ خرداد ۱۳۹۹
- خبرگزاری فارس، جشنواره خوراک، ۱۸ بهمن ماه ۱۳۹۱
- خبرگزاری پانا، جشنواره خوراک، ۱۱ اسفند ۹۵
- مهندس محمد مختاری، مدرسه بدمینتون، مرودشت، ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۶
- مصاحبه؛ رستم عطایی، "ابن لطیف نقل زبان جنوبیان"، حسین عابدی، شهریور ۱۳۹۹
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۹۴). دانشنامه مزدیسنا: واژه-نامه-ی توضیحی آیین زرتشت. تهران: مرکز
- رجبی، پرویز (۱۳۶۱). شهریورگان: جشنی در طلب مدینه فاضله. چیستا. ش ۱۱. (شهریور ۱۳۶۱) ص ۵۲-۵۵
- رضی، هاشم (۱۳۸۰). گاهشماری و جشن‌های ایران باستان. تهران: بهجت
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳). سبک‌شناسی نثر. چ ۳. تهران: میترا
- صفا، ذبیح الله (۱۳۹۵). تاریخ ادبیات ایران. ج ۱. چ ۳۰. تهران: ققنوس
- طاهری، علی (۱۳۸۴). ابن سینا و شعر تعلیمی. پژوهشنامه ادب غنایی. ش ۵. (پاییز و زمستان ۱۳۸۴). ص ۹۵-۱۰۸
- نفیسی، سعید (۱۳۹۳). زندگی ابن سینا: آثار و افکار حکیم ایرانی. چ ۳. تهران: کتاب پارسه
- حسینی، عبدالله، و انصار سلیمی نژاد و حامد صدقی (۱۳۹۳). فصلنامه مطالعات ملی. ش ۳. (بهار و تابستان ۱۳۹۳). ص ۱۲۷-۱۵۰
- سازگار نژاد، جلیل (۱۳۸۳). دل بستگی های شهریار به خواجه اهل راز. سالنامه حافظ پژوهی. دفتر هفتم. ص ۷-۱۶
- ستوده نیا کرانی، صدیقه، و اعظم محمدپوری سعادت آبادی (۱۳۹۵). بهارستان سخن. س ۱۳. ش ۳۲. (تابستان ۱۳۹۵). ص ۷۹-۷۴
- شهریار، محمدحسین (۱۳۸۷). دیوان شهریار. چ ۳۲. تهران: زرین
- مشتاق مهر، رحمان (۱۳۸۵). جنبه انسانی و جهانی شعر شهریار. نامه پارسی. س ۱۱. ش ۱. (بهار ۱۳۸۵). ص ۵۵-۶۶
- الماسی، محمدعلی؛ تاریخ مختصر تحول تعلیم و تربیت در اسلام و ایران، تهران: انتشارات رشد، چاپ اول. ۱۳۷۸
- پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، عباس؛ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، تهران: نشر علم، چاپ اول. ۱۳۸۴
- نافحس، خادمی، نیما، ۱۳۹۹
- مصاحبه، محمد علی موسوی، پری فهندز سعدی. مرداد ماه ۱۳۹۹
- ویکی پدیا



الف

اول : نخست

اهدا : پیشکش

اطفای حریق : فرونشاندن آتش

ارتفاع : بلندا

آدرس : نشانی

اخیرا : به تازگی

اجنبی : بیگانگان

اتفاق : همراه

ابنیه : ساختمان

ارگانیک : اندامی یا اندامیک

امر : زمینه

اضافه کرد : افزود

اسم : نام

ب

برودت هوا : سرمای هوا

بی نظیر : بی مانند

بنا شد : ساخته شد

بعد : پس

بارز : آشکار

ت | ث

تجمعات : گرد هم آیی

تحقیق : پژوهش

توصیه : پیشنهاد

توریسم : گردشگری

توریست : گردشگر

تکنولوژی : فناوری

تخیر : شگفتی

توسعه : گسترش

تفحص : جست و جو

ثروت : دارایی

ح | خ

حائز اهمیت : ارزشمند

حداقل : دست کم یا کمینه

حمله : تاخت و تاز

حیوانات : جانوران

حفاری : کاوش

خلقت : آفرینش

د | ذ

در رابطه با : درباره

زعم : باور

س | ض | ط

سعی : کوشش

سایت : تارنما

سکینه : آرامش

سماجت : پافشاری

ضد عفونی : پاکسازی

طرف : سوی

طریق : راه

طول : درازا

طب : پزشکی

طفولیت : کودکی یا خردسالی

طلب کمک : یاری گرفتن

ع | غ

عظیم : بزرگ

عقیده : باور

غنا و قوت : پرباری

غذا : خوراک

ق | ک

قدردانی : سپاسگزاری

قیام کرد : درخواست

قادر خواهید بود : می توانید

قرنطینه : خانه بند

قدمت : پیشینه

کثیری : بسیاری

کتیبه : سنگ نوشته

کافی : بسنده

قدم : گام

قبل : پیش

ل | م

لوکیشن : جایگاه فیلمبرداری

لباس : جامه

مجاورت : نزدیکی

مصالحه : سازش

مخصوصا : به ویژه

محلی : بومی

مواقع : چراگاه

مقایسه : سنجش

ماسک : پنام

متولد گردید : زاده شد

معروف : نامدار

مختلف : گوناگون

مصدومیت : آسیب

موقع : زمان

محترم : گرامی

ملاقات : دیدار

مقام : جایگاه

ن | و

نفر : تن

وطن : میهن

نام‌های بوم ریخته مکان های دیدنی

استان فارس رو حدس بزن

پاسخ را در فضای مجازی به شماره زیر ارسال کنید تا در قرعه کشی قرار بگیرید

علیرضا شمسی ۰۹۰۱۲۶۳۳۷۱۸



جو رچین

۱	بابا خاک شیر نگارد
۲	آفرود بازی
۳	ده علق تخ رخ
۴	تنکه باکو
۵	شور گهر
۶	نگاه قتر
۷	ده کاشت
۸	رخ دیوار شهر
۹	دست بنگا
۱۰	بانک سنگ تات
۱۱	به گشت مشهد
۱۲	خشت تمجید
۱۳	چرخ تاک
۱۴	فشار آب مادی
۱۵	بند گم کنی
۱۶	نقاش پر شور
۱۷	شوق آن پرش
۱۸	ترقی گناه
۱۹	درخت علقه
۲۰	کان سنگ تبت

